



شماره ۱ - بهمن ۱۳۶۳

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران



در این شماره:

- سخنی با خوانندگان
- مروری بر خیزش خلق، آماجهای انقلاب و خیانت ارتجاع حاکم
- آتش جنگ با هیمة جانهای جوان فروخته نگاهداشته میشود
- راز جاودانگی حزب توده ایران
- اختر رزم ارانی تابنده است
- جذابت علیه "دانشگاه"
- انقلاب و روستازادگان ایران
- کتاب و کتابخانه در جمهوری اسلامی
- بیماری رندانیان سیاسی بیاخیزیم!
- نامه رسیده از ایران

* * *

- نامه سازمان جوانان توده ایران
- فدراسیون جهانی جوانان دمکرات
- بیانیه همبستگی با مبارزات بر حق مردم
- جوانان ایران
- اخبار همبستگی
- شعر

* * *

- حقوق بشر در کجا نقض میشود؟
- بیکاری و فقر روزافزون در "جهان آزاد"
- سال ۱۹۸۵: "سال جهانی جوانان"
- پیش بسوی دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان - مسکو ۱۹۸۵

آزمایان

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

دوره سوم - سال اول - شماره ۱، بهمن ماه ۱۳۶۲

دوره سوم "آرمان": درفش "کاوه" های جوان در بیکار علیه "ضحاك" های خونخوار

سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که پس از انقلاب ، مبارزه مشترک و در صف واحدی را در کشور آغاز کردند، پیدرنگ مورد انواع و اقسام فشارها و تضيیقات از جانب نیروهای قشری و انحصارطلب قرار گرفتند و نشریه "آرمان" هم یکی از نخستین قربانیان حکام مرتجع و دشمن فرهنگ انقلابی ایران و جهان شد.

تأیید از هجوم خائنان به حزب توده ایران ، تقریباً تمام امکانات تبلیغاتی جوانان توده ای و دمکرات نابود شده بود. پس از هجوم ، محو فیزیکی، اعضاء و رهبران سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نیز شروع شد. "ساواک" شاه جای خود را به "ساواجا" ، فرزند خلف و "شایسته" خویش داده بود.

اینک که نقاب تزویر و ریای حاکمیت جمهوری اسلامی برداشته شده و خیانت گردانندگانش به آرمانهای انقلاب و مردم زحمتکش ایران آشکار گردیده است ، تعدادی از اعضاء و فعالین سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که توانسته اند از جنگال خونین جلادان و شکنجه گران جمهوری اسلامی جان سالم بدر برند و تن به مهاجرت ناخواسته داده اند، تصمیم گرفتند با حفظ سنت های درخشان رزمی دختران و پسران دمکرات مرفقی ایران ، دوره

با پیروزی انقلاب شکوهمند مردمی و ضدامپریالیستی بهمن ۵۷ ، "آرمان" - نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) - نیز همگام با تمام آن نیروهای انقلابی و مرفقی که طی سالیان دراز در خارج از کشور برای پیروزی مردم ایران بر رژیم وابسته دیکتاتوری سلطنتی رزمیده بودند به میهن بازگشت تا کار خلاق و سازنده خود را برای تحکیم سیاسی انقلاب و تحقق آرمانهایش : استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی دنبال کند.

اما رهبران مذهبی که امواج خروشان بیکار ضداستبدادی و ضدامپریالیستی و عدالت جویانه مردم ، بعلت جنایات ساواک شاه علیه نیروهای مرفقی و خالی بودن زمینه ، آنانرا میوه چین انقلاب کرد ، خیلی سریعتر از آنچه که تصور می رفت ، بر اثر ترس از مبارزه انقلابی توده ها و گسترش و ژرفش نفوذ نیروهای دارای جهان بینی علمی و مرفقی ، نقاب از چهره برگرفتند و قرابت خونی خود را با نظام های متکی بر بهره کشی انسان از انسان آشکار کردند. پس از آن سرکوب تمام نیروهای عدالت جو ، ام از مذهبی و غیرمذهبی زیر پوشش "شرع" آغاز گردید و دستکاه سرکوبگر اهریمنی با اقرارهای شیطانی و شکنجه های قرون وسطایی و مدرن ، مدعی شد که مردم ایران را از زن و مرد و پیر و جوان بسوی "بهشت" هدایت می کند.

توده ای و از جمله جوانان مبارز و عدالت خواه مذهبی تکیه خواهد داشت. " آرمان " ارکان همه دختران و پسران زحمتکش ایرانی خواهد بود.

اکنون " آرمان " مبارزه خود را در شرایطی بسیار دشوارتر از گذشته ، با ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی دنبال می کند. چراکه بسیاری از رفقای گرانقدر ما در زندانهای جمهوری اسلامی، اسیر جنگال دؤخیمان مرتجعند و در اثر کثرت شکنجه های هولناک جسمی و روانی بسیاری از آنان معلول شده و یا از پای درآمده اند. اما علیرغم اعمال شکنجه های دهشتناک علیه رفقای دربند ما ، مقاومت جوانان در درون زندانها و در سراسر عرصه های کار و زندگی در میهنمان روبه رشد است. بیوسته جوانان رزمنده جدیدی به صفوف ما می پیوندند و جای خالی رفقای دربند و شهیدمان را در نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسم برمی کنند.

بگذار " آرمان " درفش " کاره " های جوان در بیکار علیه " ضحاک " های خونخوار حاکم باشد!

سوم ماهنامه " آرمان " را بعنوان نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) منتشر کنند تا سهم خود را در مبارزه انقلابی جوانان میهن با رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی حاکم بر کشور ادا نمایند.

" آرمان " با وظیفه دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی، مبارزه در راه آرمانهای جوانان زحمتکش کارگر، دهقانان ، دانش آموز و دانشجو، بیکار در راستای به کرسی نشاندن خواستهای عادلانه دختران و زنان جوان ایرانی که شخصیت و حقوقشان یامال کج اندیشی و خودپسندی مشی بیمار روانی و سادیت شده و بالاخره دفاع از هنر و ادبیات و فرهنگ ایرانی و بازتاب فرهنگ مترقی جهانی، بیکار خستگی ناپذیر خود را آغاز می کنند.

تردید نیست که مانند گذشته ، " آرمان " نه تنها بر امکانات اندک و هیئت تحریریه معدود خود، بلکه بر همکاری همه جانبه فکری و قلبی و کمک های مادی تمام جوانان دمکرات و مترقی و میهن دوست ایرانی اعم از توده ای و غیر

خوانندگان عزیز، جوانان و دانشجویان ایرانی! خیرهای مربوط به مبارزات و مشکلات جوانان و دانشجویان هموطن را برای ما بفرستید. ارسال اخبار، مقالات ، شعر، داستان، طرح، عکس، کاریکاتور، ترجمه و هر مطلب دیگر درباره جوانان و دانشجویان، کمک ارزنده ای در جهت بهبود کار ما است. پیشنهادات، انتقادات و پرسش های خود را نیز برای ما بفرستید. در مکاتبه با " آرمان " نام مستعار برای خود انتخاب کنید. ما در " آرمان " به اسامی مستعار پاسخ می دهیم.

شش سال پس از انقلاب بهمن ۵۷:

مروری بر خیزش خلق، آماج‌های انقلاب و... خیانت ارتجاع حاکم



گروه‌های دیگر نیز که از استبداد دل‌خوشی نداشتند بصوف انقلاب پیوستند. اما دیدگاه همه گروه‌های مبارز و احزاب سیاسی دست اندرکار انقلاب یکسان نبود، هر یک از آنان در پی آماج‌هایی متفاوت بودند. در شرایطی که توده‌های انقلابی عملاً، هماهنگ و متحد پیش می‌تاختند، گروه‌ها و احزاب سیاسی اغلب در موقعیتی نبودند که به خواسته‌های خلق انقلابی با شایستگی پاسخ گویند؛ هر یک در پی هدف‌هایی در خور منافع و رسالت طبقاتی خود بودند و تلاش می‌کردند حرکت انقلابی را تا آن حد شتاب بخشند که با این منافع و رسالت انطباق یابد.

در چنین شرایطی بود که حزب توده ایران با درک عمیق مسئولیت بزرگ تاریخی خود، در اعلامیه مورخ ۱۲ شهریور ماه ۱۳۵۷ برجیدن نظام سلطنتی و استقرار جمهوری را پیشنهاد کرد و برای دولت ائتلاف ملی برنامه‌ای مدون ارائه کرد. چنانکه معلوم است در این موقعیت حساس نیز عناصر نفاق افکن و خرابکار در راه وحدت میهن پرستان همچنان سنگ می‌انداختند.

انقلاب ایران از نظر سمت اصلی حرکت، یک انقلاب ضدسلطنتی، ضد استعماری و ضدامپریالیستی است و از نظر شرکت گسترده‌ترین قشرهای خلق و اشکال مبارزات مبتنی بر خواسته‌های حق طلبانه آنان، یک

شش سال از پیروزی انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران می‌گذرد. تاریخ انقلاب بهمن ۵۷ ایران تاریخ اوج بیکارهای قهرمانانه خلق بر ضد تجاوزگران خارجی و دشمنان خلق است. طی سالیان درازی که به انقلاب کشیده شد، دیکتاتوری فاشیستی شاه و سیاست‌های فشار و اختناق ناشی از آن هر روز بیشتر حدت می‌یافت. بحران بزرگ اقتصادی - اجتماعی و سیاسی هر لحظه ژرف‌تر و گسترده‌تر میشد، محدودیت‌ها در عرصه آموزش و محرومیت‌های رفاهی جان‌توده‌ها را به لب می‌آورد، همه برنامه‌ها و دعاوی بلند پروزانه رژیم وابسته به امپریالیسم به شکست می‌انجامید، دلارهای نفتی به تاراج می‌رفت، کشور به گونه‌ای خرنده بوسیده دهها هزار کارشناس و مستشار نظامی آمریکایی و اروپایی، با کمک انواع قرار دادهای اسارت‌بار اشغال می‌شد و بالاخره سرزمین و حکومت ایران به پایگاه امپریالیسم وژاندارم منطقه‌ای مبدل می‌گردید. همه اینها در ادامه حکومت شاه بن بست‌ی ژرف بوجود آورد و خلق را یکپارچه به صحنه انقلابی تاریخی، پرشور و با شکوه کشاند. برای گشودن راه به جلو باید نظام شاهنشاهی ایران یکسره سرنگون می‌شد، و امپریالیسم و عوامل داخلی آن از صحنه اقتصاد و سیاست ایران ریشه کن می‌گردید.

انقلاب چنین وظیفه‌ای را در پیش روی داشت.

نیروهای ملی و ترقیخواه برای دگرگون ساختن نظام موجود مبارزات خود را با مقیاسی بیسابقه شدت دادند. عناصر و

انقلاب مردمی شمار می رود. برخلاف آنچه روحانیون حاکم از تریبونهای تبلیغی خود شب و روز سرمی دهند، انقلاب ایران نه با تضاد "اسلام و کفر" که با تضادهای طبقاتی موجود در جامعه ما رشد کرد و تکامل یافت. هرگاه مضمون اصلی انقلاب، به زعم حضرات، همانا "اسلام فقامتی" میبود و اگر توده ها به جای طرح خواستها و مطالبات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی خود از شعارهای کنونی جمهوری اسلامی تبعیت می کردند، آنگاه بدون شک باید از همان روزهای نخست پس از پیروزی بساط شکنجه و تعزیر و داغ و درفش قرون وسطایی خاص جمهوری اسلامی به راه می افتاد و در هر کوی و برزن چوبه های دار برپا می شد و کشتار جمعی دگر اندیشان - چنانکه بعداً به مقیاس وسیع جریان یافت، از همان ابتدا به سیاست رسمی و آشکار حاکمیت بدل می گردیده. در حالی که همه میدانیم در همان روزهای پیروزی انقلاب بود که کمونیست ها با نیروی خلق انقلابی گروه از زندانهای شاه آزاد می شدند و در کنار سایر گروهها آزادانه به طرح و تبلیغ شعارهای انقلاب می پرداختند.

انقلاب بهمن ۵۷ هرچند موفق شد رژیم شاه را براندازد و به وظیفه سیاسی خود جامه عمل پوشد و نیز در زمینه های اجتماعی بنا بر اراده مستقیم خلق گامهایی به پیش بردارد، اما به سبب فقدان یک رهبری انقلابی پیکیز، بدلیل خیانت حاکمیت ج.ا. به انقلاب، سمت تکامل اقتصادی - اجتماعی کشور تغییر نکرده و در سالهای پس از انقلاب راه رشد سرمایه داری همچنان ادامه یافت.

امپریالیسم که انقلاب ایران را خطری برای مواضع و "منافع" خود در خلیج فارس و اقیانوس هند می دید از همان آغاز کوشید تا

روند پیشرفت آنرا به عقب بازگرداند. امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا از عملیات ماجراجویانه قهر آمیز - مانند هجوم نظامی به طیس و کودتای توزه - طرفی نیستند، ترجیح دادند که با تکیه بر جناح نیرومند مدافع سرمایه داران و زمین داران بزرگ در میان روحانیت و بهره گیری از ویژگی های مجموعه روحانیت حاکم و از آن جمله کمونیسم ستیزی آنان انقلاب را مسخ کنند. در این کارزار امپریالیستها از انواع سازمانهای دست آموز خود چون "انجمن حجتیه" و بخش هایی از ساواک شاه که دست نخورده باقی مانده بود، بهره گرفتند. تحولات درونی حاکمیت جمهوری اسلامی اجراء این توطئه امپریالیستی را تسهیل کرد. اکنون دیگر مدت ها است که حاکمیت ج.ا. در جهت معکوس با هدفهای اساسی انقلاب گام برمی دارد، به نام "اسلام" از چنان سیاست ضد خلقی و ضد انقلابی پیروی می کند که بیش از حد انتظار مطلوب امپریالیسم و عمال محلی آن و در درجه اول انحصارهای امپریالیستی و کلان سرمایه داران و بازار و بزرگ مالکان است.

حاکمیت جمهوری اسلامی برای آنکه در نقشه های شوم خود توفیق یابد، لازم دانست، قبل از هر چیز مبانی فرهنگ ملی و آزادی های دموکراتیک رایج را نابود سازد و با "انقلاب فرهنگی" خود، جهل و خرافات و قشریکری قرون وسطایی را به همه شئون فرهنگی و اجتماعی کشور مسلط کند. دانشگاه این دژ نیرومند آزادیهای دموکراتیک بسته شد و پژوهشهای علمی موقوف گردید.

از همان اواخر سال ۵۹ بود که سرکوب آزادیهای سیاسی به سیاست رسمی هیئت حاکمه تبدیل شد. همه مطبوعات غیر وابسته بقیه در صفحه ۲۵

آتش جنگ با هیمة جانهای جوان افروخته نگاهداشته می شود



مخالفت با جنگ، یکی از عرصه های اصلی نبرد جوانان میهن ماست

پیوستند. فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۲ می گوید: "حضور جوانان دانش آموز و روستایی در جبهه ها ضرور است" (اطلاعات ۲ شهریور ۶۲)

این سخنان در فضای تاریک چ.ا. روی هوا باقی نمی ماند. اداره و قلیفه عمومی، سپاه پاسداران، بسیج، کمیته ها و ادارات عقیدتی سیاسی و... با زور و تهدید و فریب، هزاران جوان را از مدارس و مزارع می ربایند و روانه مسلخ جبهه ها می کنند تا خواسته فرمانده سپاه

قربانیان اصلی جنگ

حاکمیت مرتجع جمهوری اسلامی ایران با اصرار بر تداوم جنگ با عراق، رشته هستی نسل جوان، فعال و متحرک کشور، یعنی سرمایه های فردای ایران را قطع می کند.

بنا بر آمارهای رسمی، تا کنون این جنگ ۵ میلیون کشته و معلول و آواره برای مردم ایران و عراق به ارمغان آورده است. خسارات اقتصادی جنگ در ایران را تنها با رقم نجومی ۲۵۰ میلیارد دلار می توان بیان کرد. این جنگ فرسایشی و پیهوده، همه منابع انسانی و اقتصادی مردم کشور را می بلعد و آینده ای پر درد و رنج برای مردم دو کشور همسایه به ارمغان می آورد. امیر یالیسم جهانخواار آمریکا با نغت پاشی بر آتش موقعبیت خود را در منطقه در مستحکم می کند و نیروهای مرتجع منطقه در دودوم جنگ، به تحکیم مواضع خود و سرکوب جنبش های انقلابی می پردازند.

اگرچه جنگ پیر و جوان و زن و مرد نمی شناسد و هر کس از تیغ خونفشان آن زخمی بر قلب و جان خود دارد، اما، قربانی اصلی جنگ، جوانان مرد و کشورند.

روزنامه کیهان مورخ ۱۹ مهر ۶۲ با چاپ کردن عکس چند جوان، خبر داد که: "۷ تن از قهول شدگان مرحله اول کنکور سراسری به خیل شهدای جنگ تحمیلی پیوستند". و روزنامه اطلاعات در ۲۸ مهر ۶۲ با اعلام نام یک قربانی جدید، خبر قبلی را تکمیل کرد. ۸ نفر از جوانانی که از هفت خوان کنکور و ارکان های تقفیش عقاید با هزاران زحمت گذشته بودند، هنوز پای به دانشگاه نگذاشته، به "تعااله"

مبارزه جوانان علیه جنگ اوج می گیرد

خوشبختانه جوانان میهن ما که قربانیان اصلی جنگند در برخورد با مسئله پایان جنگ موضع انفعالی ندارند. آنان به طرق گوناگون به مخالفت با ادامه جنگ میپردازند. مبارزه جوانان علیه جنگ تنها به فرار از خدمت و طیفه و چپه و نیبوستن به سیاه سیج محدود نمی شود و اکنون به مراحل عالی تری ارتقاء یافته است.

جوانان در چپه ها اذ دستورات فرماندهان برای گذر از میادین مین گذاری شده و تهاجم کور، ترمز می کنند و در موارد متعددی با عقب نشینی بجای حمله، مبارزین عفریت مرک را در اجرای نیت پلیدشان ناکام می کنند. اگر چه در این عرصه نبرد نیز جوانان قربانی می دهند و فرماندهان گوش به فرمان ارتجاع، برخی از متمرهین را با حکم دادگاههای صحرایی به جوخه اعدام می سیرند، ولی یکی از عواملی که توان تهاجم را از قوای مسلح ارتجاع سلب کرده است، همین مقاومت جوانان است.

مبارزه جوانان علیه جنگ تنها در چپه ها نیست. در شهرها و روستاهای میهنمان، هر شب، هزاران تراکت و اعلامیه در اقصای سیاست های جنگ طلبانه حاکمیت ج. ا. و در باره مصائب جنگ و مقاومت مردم علیه جنگ پخش می شود. جوانان توده ای و فدایی و مجاهد، در این عرصه نبرد نقش بسیار فعالی ایفاء می کنند. اکنون دیگر مخالفت با جنگ تنها در چهار دیواری خانه ها مطرح نمی شود. موضوع جنگ و پیامدهای مخرب آن در مدارس، کارخانجات و روستاهای شهرستان به بحث روزانه تبدیل شده است. در ماه محرم امسال که بنظر می

بقیه در صفحه ۲۲

و فتوای "شرعی" آقای خمینی مبنی بر اینکه جوانان چپه ها را پر کنند" به اجرا درآید. بدین ترتیب است که وزیر پیشین آموزش و پرورش موفق می شود به حساب زندگی و هستی جوانان با "افتخار" در مجلس شورای اسلامی گزارش دهد که: "۵۰ تا ۵۳ درصد نیروی بسیج چپه، دانش آموزان بین ۱۶ تا ۱۸ ساله هستند" (اطلاعات ۲۴ مرداد ۶۲).

آنگاه عفریت آدمخوار جنگ چنان های جوان را می بلعد و مقامات مسئول حکومتی، نه با شرمساری، بلکه با وقاحت بی نظیری که ویژه آنان است، پیلان اقدامات جنایتکارانه خود را به مطبوعات و دستگاههای خبری ارائه می دهند.

رئیس جمهور در اجتماع مردم روستای "خور" از توابع ساوجبلاغ، با ذکر این نکته که تنها روستای "خور" بیش از ۲۰ شهید داده است، می گوید: "وقتی پدر و مادرها، جوانان خود را مثل ارزشمندترین هدیه برای جهاد در راه خدا تقدیم می کنند، این ملت یک آینده روشن حتی و قطعی در انتظار دارد".

تنها فریبکاران و شیادان می توانند به ملتی که جوانان خود را هزار هزار در جنگی غیرعادلانه اذ دست می دهند نوید "آینده روشن" را بدهند. آینده روشن بدون وجود آینده سازان ممکن نیست!

اگر چه آمار کشته شدگان هر مرحله از تهاجمات نافرجام، از چشم مردم پنهان نگاه داشته می شود، اما اعتراف وزیر بهداشتی به تعداد مجروحین یک حمله، بقدر کافی گویاست و پرده از جنایات جنگ افروزان و جنگ طلبان برمی دارد: "امروز در یک حمله ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مجروح جنگی داریم".

این مجروحین نیز، همچون کشته شدگان جنگ، اکثراً از جوانان میهن ما هستند که قربانی ستم حکام ج. ا. می شوند.

راز جاودانگی

حزب توده ایران

ایران نیز " غیر قانونی و منحلّه " است .
بدین سان آزموده را یکبار دیگر آزمودند و
در بهمن سال ۶۱ به تکرار بهمن سال ۲۷
پرداختند . آنروز ارتجاع در ژست های
" شاهانه " باد در گلوئی انداخت و شاهمانه از
نابودی حزب توده ایران بعنوان " مسزور
بیگانه " دم میزد . ۲۴ سال بعد ارتجاع در
هیئت استبداد " ولایت فقیه " دست و شانه
سربازان " گنم " را برای متلاشی کردن
حزب میبوسید . یکی خون توده ای ها را در
جام سر می کشید و دیگری با آن وضو می-
ساخت . اما حزب در توفان آنهمه بلاها
هم در آن زمان و در این تاریخ منهدم
زندگی بخش توده های محروم شد .
چرا حزب آماج کینه توزی های بیشمار
میکرد؟ د نیروی حیاتبخش آن در چیست؟ چرا
در هر زمان و در هر هجوم به حزب توده ایران
اتهامات بیگانه ای وارد میشود . و چگونه است
که هیچگاه نتوانسته اند به اثبات آن دست
زنند؟ با پیورش به حزب و اعلام انحلال آن
سیر و سرنوشت انقلاب بهمن به کجا انجک
میده است؟ و چگونه است که زندان ، تبعید
شکنجه و اعدام در طول سالیان نتوانسته
است حزب را از پای در آورد .
راز جاودانگی حزب توده ایران در چیست؟
حزب توده ایران مهمترین و موثرترین
عامل حیات سیاسی کشور و مبرددوران نوین
در جامعه است . با حزب توده ایران شیوه
تحلیل ، نحوه استدلال ، هرگونه نو آوری و نو
خواهی در سیاست ، اقتصاد ، تاریخ ، فلسفه ،
جامعه شناسی ، زبان ، هنر و ادبیات موزاد
است . حزب توده ایران جلی تاریخ معاصر
میهن ما ایران است . کدام " اقدام و تحول
مترقی و انقلابی " و کدام " اندیشه و بارقه
روشنگر و راهگشایی " است که " جامعه رابه
پیش رانده باشد و نخستین بار توسط حزب

۱۷ بهمن ۶۱ پرده ها بالا رفت ، نیسات
غاصبان قدرت مردم نمایان شد ، هجوم به
حزب توده ایران ، حزب طراز نوین طبقه
کارگر ایران که از مدتها قبل همه امکا -
نات فعالیت آزاد از آن سلب شده بود به
شکل رسمی تحقق یافت . شمار بسیاری از
هواداران ، اعضا و رهبران حزب دستگیر
و روانه سیامجالها و شکنجه گاهها شدند . با
تشدید جنگ روانی ضد توده ای به تحریک
افکار و احساسات مبتدل و خرافی پیدا . -
ختند ، و در رای پرده دود تهمت ها واقفرا -
ها ، به مهارت و تجربه خود در این هجوم
نازیدند . در توجیه " شرعی " این پیورش نا -
جوانمردانه بلبل زبانی کردند ، به قلسب و
تحریف تاریخ حزب دست زدند . اباطیل و
تروها ت همه دشمنان کینه توز حزب ، امیریا -
لیس و ارتجاع ایران را به عاریه گرفتند
و لباس " شرعی " به آن پوشانده و با هزاران
ورد و وسیله به خورد مردم دادند . به شیوه
" شاهنشاه " گفتند مثنی " جاسوس " دستگیر
شده اند و البته از مهارت خود در تزویر و
تقیه نیز استفاده کردند . ابتدا اعلام
داشتند که با حزب توده ایران کاری نداریم
و سپس با وقاحت و بیشرمی خاص همه کور
دلان و کور بینان تاریخ ، حق حیسات را
از اعضا و هواداران حزب نیز گرفتند . و
گفتند که حزب توده ایران قصد " براندازی "
داشته و لذا توده ای ها مرتدند و حزب توده

توده ایران عرضه نشده و با واسطه و بیواسطه کم و بیش فراورده تلاش و پیکار پیگیر آن نباشد.

حزب توده ایران وارث حزب کمونیست ایران، محصول تکامل جامعه ایران و ضرورت وجودی طبقه کارگر ایران است. محصول تجربه طولانی مبارزه طبقه کارگر در تمام کشور و تشکیل در حزب سیاسی خود است به صورتی که در جهان هیچ کشوری نیست که طبقه کارگر آن فاقد حزب مستقل خود باشد. تشکیل گروههای سوسیال دمکرات به مثابه هسته های یک حزب پرولتری که بعدها حزب کمونیست ایران را بوجود آورد از نخستین نشانه های تبدیل طبقه کارگر ایران به طبقه ای برای خود در ایران است که در انقلاب مشروطیت و پس از آن منشا خدمات برجسته بسیاری شدند.

حزب توده ایران در ادامه این راه پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاهی به یمن رشد کمی و کیفی طبقه کارگر ایران پایه عرصه وجود گذاشت، به اتکاء آن رشد کرده به میزان توده ها رفت و در دل آنها جای گرفت. در تشکیل کارگران به مقیاسی بیسابقه در درون سندیکاها و اتحادیه های کارگری، در "شورای متحده مرکزی کارگران و زحمت کشان" و "شورای متلفه مرکزی کارگران" اندیشه پرداز، سمت دهنده و راهگشا حزب توده ایران بوده است. کافی است اشاره شود که اعتصاب نفتگران جنوب پس از گذشت مدتی کوتاه از موجودیت حزب، در قالبی یکپارچه، متحد و پیکارجو در زیرمهمیز ارتش استعماری انگلیس چه تکان پر آوایی را سبب شد و چگونه لرزه بر امپراطوری بریتانیای کبیر در منطقه ای خواب آلود انداخت و شرکت نفت انگلیس را به عقب نشینی و قبول خواسته های کارگران واداشت.

حزب توده ایران همراه با سازمانهای صنفی کارگران و زحمتکشان سراسر کشور نقش برجسته و تعیین کننده ای در جهت خواسته های کارگران و زحمتکشان و دفاع از حقوق آنها داشته، که تنظیم و تصویب قانون کار یکی از افتخارات بی شمار آنست. آری حزب توده ایران و طبقه کارگر ایران در دوره نبردهای تنگنا تنگ هندیکر را یافته اند و لحظه ای از هم غافل نبوده اند. چنین است راز موجودیت حزب توده ایران!

نه تنها کارگران که سایر زحمتکشان شهر و روستا نیز با هدایت و رهبری حزب توده ایران به تشکیل سازمانها و ارگانهای مستقل خود دست زده و ضمن مبارزه در راه حقوق خود در مبارزات دمکراتیک و ضد استعماری مردم ایران نقش بسیار ارزنده ای داشته اند.

دهقانان ایران در دامن حزب توده ایران با حقوق خود آشنا شدند و از طریق تشکیل در اتحادیه های دهقانی در جهت تحقق یک برنامه ارضی مترقی، از راه تقسیم بلاعوض زمین بین دهقانان بی زمین و کم زمین زمینند و به افشاء هرگونه عوامفریبی در زمینه "اصلاحات ارضی رژیم شاه پرداختند. شعار بزرگ شعار جا افتاده و قابل هضم جامعه ایران، محصول تلاش حزب توده ایران و حضور آن در میان دهقانان ایران است.

حزب توده ایران و قادار به سنگت دمکراتیک حزب کمونیست ایران بنیانگذار جنبش رهایی زن در تاریخ کشور ماست. در مجلس ۱۴ برای نخستین بار حزب توده ایران طرح انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان را اراک نمود تلاش در جهت بیداری، شکل و ایجاد یک نهضت بزرگ در میان زنان و هدایت آنها به شرکت کنند به در فعالیتهای

سیاسی و اجتماعی و افشاء مستمر هر گونه عوام - قریبی در مورد زبان از افتخارات حزب توده ایران است. یگانه سازمانی که زن را برابر مرد میدانست جز حزب توده ایران کدام سازمان سیاسی دیگر بوده است!

این حزب توده ایران بود که جوانان را در محیطهای کار، زندگی، و تحصیل سازمان داد و شرکت گسترده و پر شور جوانان را در میدان مبارزات اجتماعی، سیاسی و صنفی رهبری کرد. فداکاری، ازجان گذشتگی و مقاومت و مبارزه جوانان از نمونه های درخشان مبارزات مردم ایران است.

نخستین بار دفاع از کودک ایرانی توسط حزب توده ایران در جامعه مطرح شده و یاری حزب مبارزه در راه تأمین سعادت کودکان سازمان داده شد.

برای نخستین بار در تاریخ احزاب انقلابی، حزب توده ایران به فعالیت پرتوسر و گسترده در درون عناصر ملی ارتش ایران دست زد و قهرمانان و شهیدان بسیاری را از درون خود به مردم ایران تقدیم کرد.

حزب توده ایران حزب همیشه مبارز در در راه تأمین برابری حقوق خلقها و اقلیت - های ملی کشور بوده است و به شکل مستقیم و همه جانبه از جنبش دمکراتیک خلقهای کردستان و آذربایجان علا دفاع کرده است.

حزب توده ایران در شناخت و معرفی فاشیسم، استعمار، نواستعمار و امپریالیسم و اشکال تسلط امپریالیستی و بویژه در افشا امپریالیسم آمریکا و انگلیس نقش نخست داشته و بحق پرچمدار مبارزه در راه استقلال ملی و سازمان پیگیرترین میهن پرستان ایران نامیده شده است.

حزب توده ایران در تمام حیاتش علیه دیکتاتوری و اعمال آن جنگیده و مبارز خستگی - ناپذیر راه دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک

بوده و در این راستا همواره مبشر، مبلغ و تلاشگر پیگیر در جهت وحدت همه نیروهای مترقی در کشور بوده است.

در پیدایی رستاخیز معنوی و روحی ملت ایران سهم شایسته و نقش سزاوار از آن حزب توده ایران است. این حزب توده ایران بود که تاثیر نور را در ایران پایه گذاری کرد و شمار بسیاری از روشنگران طراز نودهمه زمینها در دامن خود پرورد و نخستین حزبی بود که به تحقیق در تاریخ ایران پرداخت و به شناخت و تحلیل علمی آن دست زد. آموزش، تبلیغ و ترویج مارکسیسم - لنینیسم و تطبیق خلاق اصول بنیادی و احکام آن بر مختصات جامعه ایران - در عین وفاداری به انترناسیونال - لیسم پرولتری - کار هیچ حزب و سازمان دیگر جز حزب توده ایران نبوده است.

حزب توده ایران حزب شهدا و قهرمانان بنام و بیادماندنی تاریخ معاصر ایران است. زندانها و شکنجه گاهها هیچگاه و در هیچ دوره ای از توده ای ها خالی نبوده است. در این زمینها نیز توده ای ها جایگاه نخستین و ویژه خود را دارند.

بدینسان روشن است که حزب توده ایران بر اساس وابستگی بلاگست به طبقه کارگر و دفاع همه جانبه از خواستهای زحمت - کشان شهر و ده، به انکاء جهان بینی علمی خود به علت پیگیری در نبرد ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران به سابقه خدمات ماندگار و دیرین خود به فرهنگ، ادب، هنر و تاریخ این سر زمین، به علت عشق عمیق به منافع خلقهای ایران، به برکت مقاومت و پایداری حماسی اش در تمام نبردهای سالها ی حیاتش، ریشه در دل خونین مردم داشته و بهمین اعتبار پس از هر حمله و یورش ناجوانمردانه توانسته است قد راست کند، نیروی خود را گرد آور د و پر شورتر از پیش با گامهای استوار بسراه

افتد. حزب توده ایران به بین صفات و خصال انقلابی و به شکرانه همین تاریخ پربرکت، در مدت کوتاه فعالیت علنی پس از انقلاب دوباره در دل مردم جای گرفت و نسل نوبی از مبارزین صدیق را در صفوف خود جای داد. ایفاگر نقشی سزاوار نام و اعتبار خود شد.

حاجت به اثبات نیست که در ورای هر بیورش به حزب توده ایران و یا محدود کردن، ممنوع کردن و غیر قانونی کردن فاعلیت آن، همواره خیانت جدیدی علیه منافع مردم ایران و استقلال کشور در حال تکوین و اجرا بوده است. سرکوب حزب کمونیست ایران مقدمه سرکوب نهضت جنگل بود. دستگیری و محاکمه "گروه ارانی" معروف به "۵۳ نفر" تثبیت سیطره امپریالیسم انگلیس و حکومت رضاخانی را در پی داشته است. بیورش به سازمانها و کلوبهای حزب پس از سالهای ۲۰ مقدمه و زمینه و سرکوب جنبش های رهایی بخش خلقهای کردستان و آذربایجان و سرکوب همه آزادیهای دمکراتیک در ایران شد. غیر قانونی کردن حزب در بهمن ۱۳۲۷ پیش شرط تجدید فرار داد جنوب و پیشنهاد لایحه کس - گلشایبان بود. سرکوب حزب در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و تیرباران اولین گروه از افسران توده ای، تصویب لایحه تاراج نفت توسط امینی را بدنبال داشت. در بهمن ۶۱ نیز بیورش به حزب توده ایران نقطه عطف چرخش و خیانت آشکار حاکمان خائن به آماجها و آرمانهای انقلاب گردید.

همسویی سیاسی با دنیای امپریالیستی، احیای پیمان تجاوزکار سنتر، احیای وابستگی اقتصاد دی و احیای قراردادهای چندمیلیاردی با غرب و دوستان مسلمانانش - ترکیه و پاکستان -، هلهله سران هفت کشور در کنفرانسهای ویلیامز - بورگ و لندن، بازسازی و نوسازی تسلیحات

تی، ادامه جنگ توسعه طلبانه، آماده سازی حضور نظامی آمریکا در منطقه، تاراج و غارت منافع ملی و از آنجمله نفت، دفاع آشکار از بازاریبان غارتگر و بخش خصوصی، لغو قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، بازگشت سرمایه داران و مالکان بزرگ و باز پس گرفتن زمینهای تقسیم شده، سرکوب زحمتکشان و تصفیه مسلمانان مبارز از دستگاههای دولتی، تثبیت قدرت "سواجا" یعنی همان "ساراک شاه" گسترش فساد در دستگاه دولتی و سرایای حاکمیت و غیره و غیره فقط نمونه هایی از خیانت به مردم پس از سرکوب سازمانهای حزب توده ایران است.

حزب توده ایران در دوران موجودیت خود همواره از جانب دشمنان خلق با اتهام "جاسوس" و "مزدور بیگانه" و القاب و عناوین مشابه و در شان خائضینی نظیر محمد رضا شاه، بختیار، آزموده، نصیری، لاجوردی، کیلانی وری شهری و امثالهم روبرو بوده است. توده ای ها را همیشه با همین اتهام به زندان افکنده اند شکنجه داده اند، محاکمه کرده اند و به میدانهای تیر برده اند. توده ای ها در برابر این اتهامات، با تاکید و تأکید هزار باره، انترناسیونالیسم پرولتری را از اصول بنیادی جهان بینی خود اعلام داشته و اتحاد شوروی زادگاه لنین را نیروی اساسی و عمده جبهه انقلاب جهانی دانسته اند و با همین اعتقاد و ایمان به میدانهای تیر رفته اند.

* * *

هیچ نیرویی قادر نیست حزب توده ایران را از خانواده بزرگ احزاب کمونیست و کارگری جهان جدا کند. ایادی امپریالیسم و ارتجاع باها این نکته را آزموده اند. بگذار مرتجعین جنایتکار حاکم بر جمهوری اسلامی ایران نیز آن را بیازمایند!

اختر رزم "ارانی"

قابنده است!



چهل و پنج سال پیش، در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸، جلادان دست آموز رضاشاه دیکتاتور، مختراری و پزشک احمدی - در بیمارستان مرکزی شهر - بانی، دکتر تقی ارانی، کمونیست رزمنده و آموزگار زحمتکشان ایران را بطرز فجیعی بقتل رساندند. دشمنان طبقاتی زحمتکشان میهن ما، با این جنایت هولناک، کل سرسبد یک نسل از خلق‌های میهن ما را چیدنده به این امید که از گسترش افکار مترقی و اندیشه مسای انقلابی ارانی در میان توده‌های محروم و نسل جوان جلوگیری کنند.

چه خیال بیهوده‌ای اکثراً از دو سال پس از مرگ "ارانی" بساط دیکتاتوری رضاخانی بر - چیده شد و پدر اندیشه‌های انقلابی او گل داد. در ۱۰ مهر ۱۳۲۰ حزب توده ایران، وفادار به اندیشه‌های "ارانی" توسط هم‌زمان و شاکردان او تاسیس شد. حزب توده ایران سه مشابه پیشاهنگ کارگران و زحمتکشان از پهنه توفانها گذشت و مبارزه خلق را تا دفن نظام پلید شاهنشاهی پهلوی در بهمن ۵۷ راهبری کرد.

اکنون که دیگر بار سایه شوم ارتجاع و دیکتاتوری بر میهن ما سنگینی می‌کنند و هزاران نفر از پویندگان راه "ارانی" در سیاهچالها و شکنجه گامهای ج.ا. به خاک و خون کشیده میشوند، اختر رزم "ارانی" برفسراز ایران همچنان تابنده است. هزاران رزمنده توده‌ای در سخت ترین شرایط پرچم نبرد را افراشته نگاهداشته اند و این بار نیز سرفراز خواهند شد.

جنش جوانان و دانشجویان ترقیخواه میهن ما از زندگی سراسر رزم و اندیشه - های انقلابی دکتر تقی ارانی بسیار آموخته است. زندگی سیاسی و فعالیت اجتماعی "ارانی" از دوران دبیرستان آغاز شد. برای نخستین بار در سال ۱۳۱۸، "ارانی" جوان در تظاهرات اعتراضی دانشجویان و محصلین مدرسه دارالفنون شرکت کرد. در سال ۱۳۰۱ برای ادامه تحصیل عازم آلمان شد و بیدرنک با محافل دانشجویان کمونیست ایران که تحت رهبری حزب کمونیست ایران فعالیت می‌کردند ارتباط برقرار نمود. "ارانی" با نوشتن مقالات در نشریات مترقی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به مبارزه علیه دیکتاتوری رضاشاه پرداخت. او با سازماندهی و انتشار نشریات مترقی "پیکار" و "بیرق انقلاب" که در خارج از کشور چاپ میشد به اعتلای جنش جوانان و دانش - جویان ایرانی و مبارزات عمومی مردم ایران علیه دیکتاتوری یاری رساند.

اوپایه گذار ارتباط فعال بین روشنفکران انقلابی با زحمتکشان میهن ماست. در گروه های کمونیستی که با کمک او تشکیل شدند، دانشجویان و استادان کنار کارگر و زحمتکش به فعالیت سازمان یافته انقلابی میپرداختند. در سال ۱۳۱۶ دکتر ارانی و گروهی از همزمانش دستگیر شدند. رژیم خودکام رضا شاهی با برپایی محاکمات فرمایشی "ارانی" و بازنش را به حبس های طویل المدت محکوم کرد. "ارانی" بیدادگامی را که او و همزمانش را محاکمه میکرد به دادگامی برای محکومیت رژیم پهلوی بدل کرد. دفاع پرشور و سرسختانه "ارانی" در این دادگاه از فزایندهای زندگی او و جنبش کمونیستی در میهن ماست.

در آن بیدادگاه "ارانی" رو در روی ماموران دیکتاتور فریاد زد: "شما نه فقط پنا توده مخالفید، بلکه از آن تیزسخت هراسانید، دربار پهلوی دستور قتل "ارانی" را صادر کرد و این حکم جنایتکارانه اجرا شد. ولی توده ها هراس رژیم با صلااح "قدر قدرت" رضا خانی را از یک کمونیست در بند آشکارسار دیدند.

"ارانی" با مرگ خود نیز به توده ها درس داد: استواری در مبارزه در همه جا و در همه عرصه ها

در سال ۱۳۰۹ دکتر ارانی به میهن باز گشت و در تاریخ بهمن ۱۳۱۲ اولین شماره مجله "دنیا" را منتشر کرد. او در شرایط بسیار سخت دیکتاتوری رضاشاهی اندیشه های سوسیالیستی را بطری ماهرانه در صفحات دنیا منعکس میساخت و بمیان دانشجویان و جوانان میبرد. استقبال گرم جوانان و دانشجویان از "دنیا" دستگاه دیکتاتوری را متوحش ساخت و از انتشار آن جلوگیری کرد. اما شماره "دنیا" که در آن دوران سیاه انتشار یافت موجب تحول فکری عمیق در میان دانشجویان و جوانان میهن ماست. دکتر ارانی برای جنبش دانشجویان اهمیت بسیار قائل بود. او در "دنیا" نوشت که "تربیت فکر خواد نندگان جوان نظر اساسی مجله "دنیا" است". "ارانی" تنها به نشر کتاب و مجله نمی پرداخت. او سازماندهنده اصلی اکثر اعتصاب ها و تظاهرات دانشجویی در دوران دیکتاتوری رضا شاه بود. دکتر ارانی هم از طریق ارتباطی که در کلاسهای درس و دانشگاه با دانش آموزان و دانشجویان داشت و هم از طریق ارتباط در خارج از محیط تحصیل به نشر اندیشه های سوسیالیستی و سازماندهی گروههای دانشجویان و محصلین می پرداخت.

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!



جنايت عليه "دانشگاه"

۶ سال از انقلاب بهمن می‌گذرد و بیکر زخم دیده دانشگاه‌ها در مقابل چشمان نگران مردم ما است. جمهوری اسلامی در دشمنی با دانشگاهها قسوت بی‌مانندی از خود نشان داده است. دانشگاه به این دلیل مورد خشم حاکمان جمهوری اسلامی قرار گرفت که محیط رشد خلاق فکری و بدنی جوانان است. به این دلیل که کانون رویش علم است. میدان برخورد عقاید است و دریچه‌ای است به روی فردا. و مسلماً "قشریون با تمام اینها مخالفند. ولی دانشگاه بیش از مرجع و زودتر از همه به دلیل اهمیت سیاسی خود مورد توجه به قدرت رسیدگان بهمن قرار گرفت.

همه مردم بخوبی به یاد دارند، که در روزهای آتشین انقلاب، دانشگاهها یکی از مراکز ارتباط و تجمع انقلابیون بودند. شلیک سربازان بروی دانشجویان در روز ۱۲ آبان ۵۷ در دانشگاه تهران هنوز در خاطره‌ها زنده است. بسیار کسانی که آن شب تصویر این جنايت را بر صفحه تلویزیون دیدند، برده اشک را با پشت دست از چشمان خود زدودند و با خود عهد کردند که رژیم شاهنشاهی را سرنگون کنند.

روحانیونی که در سال ۵۷ از زندان شاه آزاد شدند به سرعت خود را به دانشگاه تهران رساندند و از آنجا با مردم سخن گفتند. دیگر زندانیان سیاسی نیز چنین کردند. صفر قهرمانی، قدیمی‌ترین زندانی سیاسی ایران، در آغوش دانشجویان گرمی آزادی را باز یافت. بهمن، به هنگام بازگشت آیت الله خمینی به کشور، ابتدا قراربراین بود که اولین

سخنرانی در دانشگاه تهران برگزار شود. در بحیوحه انقلاب معافران و ارتشیان پیوسته به انقلاب دسته دسته به سوی دانشگاه تهران روانه می‌شدند و با انقلاب پیمان می‌بستند.

پس از پیروزی انقلاب و بازگشایی دانشگاهها به همت دانشجویان و اساتید مترقی، تحولات دمکراتیک بسیاری در محیط دانشگاهها آغاز شد. ایجاد شوراهای هماهنگی دانشکده‌ها و دانشگاهها یکی از مهمترین این تحولات دمکراتیک بود. در این شوراهای نمایندگان دانشجویان و گروههای دانشجویی، از توده‌ای‌ها، فدائیان، مجاهدین و دیگر نیروها در کنار یکدیگر و همراه با نمایندگان اساتید و کارمندان در پیشبرد هر چه بهتر امر دانشگاه مشورت و همکاری می‌کردند. در آن زمان انجمن‌های اسلامی، که خود ملقمه‌ای از گرایشات مختلف بودند، به طور متوسط می‌توانستند حدود ۲۰ درصد از دانشجویان را نمایندگی کنند و به همین دلیل در بسیاری از موارد مجبور بودند بر تصمیمات جمعی گردن نهند. محیط دانشگاهها مملو از شور انقلاب و شور جوانی بود. این شور قدرت‌سند یکی از عوامل مهمی بود که می‌توانست هنگام با توده‌های مردم انقلاب را به پیش راند و به اهداف والای خود

برسانند. و حاکمان جمهوری اسلامی نیز درست از همین نیروی عظیم ترسیدند و تیغ خود را بر سر آن فرود آوردند. "انقلاب فرهنگی" ساخته و پرداخته شد. "انقلاب فرهنگی" گرچه توانست ضربه سنگینی به انقلاب و دانشجویان و دانشگاهها وارد آورد ولی نتوانست کسی را بفریبد. همه دانشگاهیان آگاه و نیروهای مترقی از همان آغاز نیت پلید طراحان این توطئه را دانستند و به اشکال مختلف آنرا افشا کردند.

امروز پس از ۵ سال، دانشگاهها در مقابل ما است. امروز دیگر تنها نیروهای مترقی نیستند که هدف سرکوب رژیم اند. پس از بازگشایی دانشگاهها در ۱۳۶۱، حدود یک سوم از دانشجویان توسط "شوراهای گزینش" اخراج یا معلق شدند. سهمیه ویژه‌ای از کنکور ورودی دانشگاهها به نهادهایی از قبیل "سپاه پاسداران"، "جهاد سازندگی"، "بنیاد شهید" و... داده شد تا ترکیب دانشجویان را تحت کنترل نگاه دارد. ولی جمهوری اسلامی به اینها بسنده نکرد. "ستاد انقلاب فرهنگی" در کنار "انجمن های اسلامی"، "دفتر تحکیم وحدت" و "جهاد دانشگاهی" چنان محیط وحشتی را در دانشگاهها حاکم کرده اند که به هیچوجه با معیارهای عمومی و بین المللی دانشگاهی همخوانی ندارد. در بسیاری از رشته های علوم طبیعی و انسانی، اصولاً بحث ممنوع است و کفر به حساب می آید. حدود ۱۵ درصد از واحدهای درسی دانشجویان به "دروس عقیدتی" اختصاص داده شده که چیزی جز یک مشت اوراد ضد علمی و تبلیغات ارزان ضد کمونیستی نیست. گذراندن این دروس اجباری است و هرگونه سوال و بحث پیرامون مباحث ممنوع است و موجب اخراج می شود. آقایان مرتب تکرار می کنند که دانشگاهها باید از حوزه های علمیه سرمشق

گیرند. و این در حالی است که علوم و فنون در سراسر جهان با شتابی حیرت انگیز به پیش می رود. انحطاط علمی دانشگاههای ایران نه تنها تاسف آور و دردناک بلکه بسیار فراتر از آن است. این انحطاط در همین چند ساله ضررهای هنگفتی به پرورش متخصصین زده است. مغزها را از کاوش و خلاقیت علمی بازداشته است. امروزه عقب ماندگی علمی-فنی یکی از مهمترین محورهای عقب ماندگی حتی در میان کشورهای رشديافته است چه رسد به کشورهای در حال رشد. اگر روند کنونی در دانشگاههای ایران ادامه یابد خطر آن جدا احساس می شود که این عقب ماندگی علمی-فنی به صورت فاجعه ای برای میهن مان درآید.

دختران دانشجو اکنون یکی از دشوارترین دوران حیات را می گذرانند. به دختران امکان تحصیل در بسیاری از رشته های علمی و فنی داده نمی شود. وجود دختر در دانشگاه، علی الاصول، از دیدگاه متحجر قشریون شک پرانگیز است. دختران دانشجو عملاً حق استفاده مفید از کلاس های درس را ندارند. باید در آخرین ردیف ها بنشینند. حق شرکت در بحث های جمعی را ندارند. رد و بدل یک کلمه با پسران در کلاس درس یا کتابخانه، حتی اگر یک سوال صرفاً درسی باشد، جرم محسوب می شود. خنده بر لبان دختر دانشجو نشانه معصیت است و کفاره دارد.

محیط پلیسی حاکم بر محیط، دانشگاهها را به بازداشتگاههای اسرا شبیه ساخته است. انجمن های اسلامی به زحمت طرفدارانی در میان دانشجویان دارند. ارتباط نزدیکی میان این انجمنها و سپاه پاسداران و دیگر نهادهای اطلاعاتی وجود دارد. تعدادی از اعضای این انجمنها در گروه های بازجویی و شکنجه زندان اوین فعالیت دارند. دانشجویان موظفند

بقیه در صفحه ۲۳

انقلاب و روستازادگان ایران

محروم عشایر آغاز می‌شود و از همین دوران است که نوجوان‌ها طعم تلخ گرسنگی و فقر و بیسوادی و بیماری و آوارگی را می‌چشد و با همه پوست و استخوان خود "زندگی" مشقت‌باری را که در پیش دارد احساس می‌کند. جوانی با همه ناکامیها و تلخی‌ها و محرومیت‌ها شیراز گرد راه می‌رسد.

جوانان روستایی و عشایر ما از کوچکترین وسایل زندگی محروم‌اند. در بیشتر روستاها و در میان عشایرها از بهداشت و فرهنگ و رفاه و تفریحات سالم خبری نیست. چه بسا جوانان با همت و دلیری ما از بیکاری رنج می‌برند و آنان که، به هر حال، به کاری اشتغال دارند از حاصل کار و زحمت خود بهره‌ای نمی‌برند. تا جان در پدن دارند باید برای صاحبان املاک و سرمایه‌داران بزرگ کار کنند و زحمت بکشند و با اینهمه، چون برده از همه حقوق انسانی محروم باشند. بسیاری از جوانان که برای پیدا کردن کار به شهرها مهاجرت می‌کنند نیز سرنوشتی بهتر از هم زنجیران روستانشین خود نمی‌یابند...



رنج و تیره‌روزی جوانان روستایی و عشایر ایران نه از هنگام کودکی، که پیش از تولد و از دوران جنین آغاز می‌شود. بسیاری از زنان باردار بر اثر فقر و بیماری و تیره‌روزی یا خود با کودکان از پای درمی‌آیند، یا سقط جنین می‌کنند. کودکانی هم که چشم به جهان می‌کشایند به زحمت می‌توانند از انواع آلودگیها و ناسازگاریها و گرسنگی جان به ببرند و با بی‌دوایی و بی‌غذایی و دربه‌دری بسازند و دوام آورند. چه بسیار کودکان که بر اثر نبودن غذا و دارو و ویزشک و مسکن مناسب و محروم بودن از حداقل وسایل زندگی، پیش از پنج سالگی می‌میرند.

پنج سالگی برای کودکان روستایی و عشایر در حقیقت سن "بلوغ" است: کار چوپانی و چارپاداری و گاوچرانی و علف‌چینی و درو و خوراک دادن به دامها و یادویی و عملکی و حمالی و نقلایر آن، از همان سن یا زودتر از آن، در صحرا و مزرعه و اصطبل یا در کارگاههای قالی‌بافی و سفال‌سازی و کوره‌پزخانه‌ها و راهسازی‌ها آغاز میشود. در همان دوران کودکی و اوایل نوجوانی است که خانواده دهقان زحمتکش از روی ناچاری فرزند دل‌بند خود را - پسر یا دختر - به انواع کارهای مشقت‌بار می‌گمارد. یا به خدمت "ارباب" روانه می‌کند تا مگر در کشاکش زندگی سراسر ستم و محرومیت او دستگیری باشد و در کار فرو بسته او گشایشی رخ دهد.

در چنین شرایطی آکنده‌ا ز درد و تلاش است که دوران نوجوانی روستازادگان زحمتکش و افراد

چرا چنین است؟ زیرا دهقانان زحمتکش ایرانی و افراد عشایر ما از داشتن زمین و کوچکترین وسایل زندگی و از حقوق انسانی محروم اند، همه عمر زیر بارستم بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و خانها رنج می‌برند و زحمت می‌کشند و حاصل کار و زحمت آنها و افراد خانواده شان را صاحبان پول و قدرت و زمینداران بزرگ و انواع انگلهای خونخوار به یغما می‌برند.

انقلاب بزرگ ایران، پرتودرخشانی از امید پر روستاهای ویران و فروخشکیده و عشایر فرورمانده افکند، دهقانان و زحمتکشان عشایر که نیروی عمده آنان را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌داد، در پی کارگران و دانشجویان و زحمتکشان شهرها به انقلاب گرویدند. در تدارک انقلاب، تلاش خستگی‌ناپذیر جوانان روستا، برای بدست آوردن زمین و در راه زندگی بهتر گستره و شدتی بیشتر یافت، و به اوج رسید. ییکارهای دلیرانه زحمتکشان عشایر در کوه و دشت طنین افکند. امواج این مبارزات بیش از پیش توده‌های روستایی و عشایر را به صفوف انقلاب می‌راند. آنان برای تحقق بخشیدن به خواستهای دیرین خود به همه اشکال مبارزه دست زده اند: راه پیمایی در شهرها و روستاها و تظاهرات انقلابی، تجمع در ادارات دولتی و طلب حقوق خود، بازیس گرفتن قهری املاک و اموال غارت شده خود از دشمنان و حتی اقدام به مبارزات مسلحانه و درگیری با ژاندارم و پلیس شاه و در مواردی خلع سلاح دشمن مسلح.

جوانان روستایی و عشایر به حق امیدوار بودند که انقلاب به آنها زمین، آزادی و زندگی بهتر بدهد و توده‌ها را از رنج و درد جانگزای فقر و محرومیت و ستم برهاند. آنان که در پیشاپیش توده‌ها می‌رزمیدند در راه تحقق یافتن امیدهای نوشکفته خود از هیچ کوشش و

فداکاری باز نمی‌ایستادند. در اوج پیشرفت انقلاب بود که دهقانان زحمتکش در بسیاری از روستاها اربابان غارتگر و سرمایه‌داران ستمگر و خانهای سفاک و جنایتکار را با خواری و زبونی از روستاها راندند، بخش‌هایی از زمینهای غصبی خود را بازستاندند و به کشت آنها پرداختند و با همه نیروی تولید بیشتر و باز هم بیشتر به تلاش پایان‌ناپذیر خود ادامه دادند.

بسیاری از جوانان روستایی از امکاناتی که در سالهای نخست انقلاب به وجود آمده بود، با هشیاری بهره‌برداري کردند. با کارگران و دانشجویان و زحمتکشان شهر تماس یافتند و از مصاحبت و هم‌نشینی با آنان بسیار چیزها آموختند و برای ادامه موفقیت آمیز مبارزات حق طلبانه خود در سهای بزرگ فراگرفتند:

- جوانان روستایی بنا بر تجربه پدران خود طی سالیان دراز و پراثر آنچه از رفقای شهری خود آموخته، به درستی پی برده بودند که برای بدست آوردن زمین و آزادی و زندگی بهتر باید شرمالیکان بزرگ و سرمایه‌داران غارتگر - این عاملان امپریالیسم و ارتجاع - از روستاها و از زندگی و اقتصاد دهقانان کنده شود. برای تحقق این هدف عالی دهقانان باید در میان خود اتحاد برقرار سازند و به تشکیل اتحادیه‌های دهقانی مت کنند. چرا که تشکیل و توسعه اتحادیه‌های دهقانی پیش شرط اجتناب‌ناپذیر به قدرت رسیدن دهقانان و لاجرم شرط اصلی پیشرفت مبارزات آنان است. آنها همچنین به این نتیجه درخشان رسیده بودند که هرگاه میان کارگران و دانشجویان و زحمتکشان شهرها و دهقانان پی‌چیز و فقیر اتحاد نیرومندی برقرار شود، دشمن هر چند سفاک و خونخوار باشد، محکوم به زبونی و شکست است.

- جوانان روستایی طی مبارزات حق طلبانه

خود بی بردند که باید در شوراهای ده راه یابند و این ارکانها را به سازمان مردمی متری و دمکراتیک مبدل سازند. همچنین باید به آن نهادهایی که امکاناتی را به سود دهقانان عرضه می‌کردند - از جمله "جهاد سازندگی" و "هیئت هفت نفری" در شرایط پیشرفت انقلاب - کمک کنند و آنان را در اجرای موفقیت آمیز برنامه های انقلابی، و در برابر یورشهای دشمن، یاری دهند و نیرو بخشند.

- در بسیاری از روستاها جوانان حتی منتظر "جهاد سازندگی" و سایر هیئت ها و ماموران نمادند، هر جا توانستند دست جمعی از زمین بکر و بایر آب کشیدند و کشتزارهای تازه احداث کردند یا به ساختن پل و راه و سدهای کوچک و تعمیر قناتها و عملیات دیگر عمرانی دست زدند. در موارد بسیار برای گرفتن بذر و کود و تراکتور و سایر انواع وسایل مورد نیاز برای تامین خواستهای رفاهی به اقدام مشترک پرداختند.

جوانان مبارز روستایی و عشایر از پیشگامان بیکار با عوامل امپریالیسم در روستاها بودند. شعار "مرگ بر آمریکا!" فراگیر بود. حضور فعال و مکرر جوانان روستایی در تظاهرات انقلابی شهرها در میان رزمندگان شور و هیجان می‌افکند و میثاق اتحاد و همبستگی زحمتکشان شهر و ده را مستحکم تر می‌کرد.

انتشار تراکتها و اعلامیه های سیاسی و اجتماعی بویژه انواع عکسها و پوسترها و نشریات خاص دهقانان در روستاها رواج یافت. بسیاری از رزمندگان روستایی به موقع این نشریات را از رفقای شهری خود می‌گرفتند. به روستاها می‌بردند و به دست دهقانان می‌رساندند یا در مجالس و محافل محلی برای مردم ده می‌خواندند.

بر اثر جو انقلابی در شهر و ده قانون "اصلاحات ارضی" - هر چند نیم بند - در سالهای اول انقلاب از تصویب " شورای انقلاب " گذشت. در پی تصویب این قانون مبارزات دهقانان برای اجرای بندهای "ج" و "د" که وعده زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین می‌داد همه روستاها را فراگرفت. تحت تاثیر پیکارهای خستگی ناپذیر دهقانان برای به دست آوردن زمین، مجلس نیز قانونی - هر چند ناقص و نارسا و محافظه کارانه - تصویب کرد. بدینسان امید می‌رفت که انقلاب زمینه ساز زندگی بهتر برای دهقانان ستمدیده ایرانی باشد.

اما حکومت جمهوری اسلامی در راه خیانت به انقلاب چهار اسبه می‌تاخت. هنوز در اواسط سال ۵۹ بود که اجرای قانون اصلاحات ارضی با تأیید آیت الله خینی - و به بهانه جنگ - متوقف شد، اما مبارزات حق طلبانه دهقانان همچنان اوج می‌یافت. در اواسط سال ۶۱ قانون مصوب مجلس نیز به بهانه مخالفت با "اسلام" از طرف شورای نگهبان رد شد تا مکرراً تجاوز مجدد مالکان بزرگ و کلان سرمایه داران - این دیرکهای

امپریالیسم - باز و هموار گردد. تعرض ارتجاع برای باز پس گرفتن زمین از دهقانان با کشتار و شکنجه و زندان و تبعید و آوار ساختن و غارت دهقانان و ویرانی روستاها با شدت تمام و با مقیاسی روز افزون آغاز شد. همه دستاوردهای مبارزات حق طلبانه دهقانان و انقلاب، با خطر ناپودی مواجه شد. حتی زمینهای موقوفه ای که رژیم شاه به دهقانان صاحب نسق فروخته شده بود، با تصویب مجلس در خطر دستبرد ارتجاع قرار گرفت.

اکنون وضع زندگی و گذران دهقانان - از جمله جوانان روستایی و عشایر - بیش از پیش به



کتاب و کتابخانه در جمهوری اسلامی ایران

سرپرست اداره کل کتابخانه های کشور در گفتگو با روزنامه کیهان مورخ ۲۵ مهر ۶۲ آمار کتابخانه های عمومی کشور را چنین شرح داد: " کتابخانه های عمومی ایران ، ۴۸۷ کتابخانه عمومی با ۲ میلیون و ۳۷ هزار جلد کتاب وجود دارد. برای هر ۸ نفر باسواد فقط یک جلد کتاب در کتابخانه های عمومی موجود است ."

این آمار نشان می دهد که برای هر ۸۶۰۰۰ نفر از ساکنین کشور تنها یک کتابخانه عمومی وجود دارد و پازه هر ۱۴ نفر از جمعیت کشور تنها یک کتاب در کتابخانه ها موجود است .

چرا وضع کتاب و کتابخانه در جمهوری اسلامی ایران تا بدین حد اسفناک است ؟ قشریگری و تفکرات ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حدی است که در مبین ما به هیچ فکر و اندیشه و هنری ، خارج از چارچوب تنگ نظرانه قرون وسطایی رهبران حکومت ، امکان نشر داده نمی شود. همه آزادیهای فردی و اجتماعی و از آنجمله حق آزادی بیان و قلم لگدکوب شده است . نه فقط به آثار جدید نویسندگان متعهد و انقلابی اجازه انتشار داده نمی شود، بلکه بسیاری از این نویسندگان ، دوران پر رنج شکنجه و عذاب را در سیاهچالهای رژیم می گذرانند. علاوه بر این مرتجعین حاکم ، صدها هزار جلد از کتابهایی را که قبلا در کتابخانه ها مورد استفاده بودند مشمول " پاکسازی " ساخته اند. سرپرست اداره کل کتابخانه های کشور در این زمینه می گوید: " بعد از انقلاب پاکسازی در کتابخانه ها دچار یک سری افراط و تفریط

شد و کپکاه ، ارکانها و نهادهائی در امور کتابخانه ها دخالت می کردند و کتابها را از بین می بردند یا از آنجا خارج می کردند... پاکسازی کتابخانه ها در حال حاضر هم وجود دارد و ما نمی توانیم بگوییم بصورت صد در صد کتابخانه ها از کتاب های منحرف پاکسازی شده است " (کیهان ۲۵ مهر ۶۲) .

این سخنان که از زبان یک مقام مسئول بیان می شود ، نشانه آن است که رژیم مدعی صدور " انقلاب اسلامی " به سراسر جهان ، از نشر اندیشه های مرفقی به شدت وحشت دارد . " پاکسازی " هایی که در کتابخانه ها صورت می گیرد ، شکل رسمی تر همان کتاب سوزانی است که در سالهای اول پس از انقلاب هر روزه در برابر دانشگاه تهران بدست عوامل چاقدار مرتجعین انجام می شد. در کشوری که داشتن یک جلد کتاب از نویسندگان دگراندیش " جرم " محسوب شود ، اوضاع

تبقیه در صفحه ۲۶



بیاری زندانیان سیاسی بیاخیزیم!

جوانان، دانشجویان، هم میهنان آنچه که در جمهوری اسلامی می‌گذرد فاجعه زنده بگور کردن آرمانهای آزادیخواهانه و عدالت جویانه‌ای است که در هنگامه نبرد خونین، پرشور و حماسی بر پرچم افراخته میلیونها مردم در کستره و پهنای تمامی ایران نقش بسته بود. این جانبازی، ایثار، یگانگی و هم‌آوایی شورانگیز، شعله‌های شرف و وجدان ملی برعلیه اختناق، ستم، زندان، شکنجه و اعدام در رژیم بود که بگنداب تاریخ فرو رفت. اما حاکمان جمهوری اسلامی با غضب قدرت، در سودای اوهام خرافی و ارتجاعی خود به تحمیل نظامی پرداختند که بغایت حيله‌گر، فتنه انگیز، انحصارطلب و در نوع خود، قسی‌ترین و شقی‌ترین پیداد (دیکتاتوری) در زمانه ما است. تاریک اندیشی و عداوت با خرد، شرف و فضیلت انسانی از مختصات آن و انتقام کشی از مردمی بپاخواسته و انقلابی که به آماجها و آرمانهای انسانی خودپای افشوده‌اند از ویژگی‌های آنست.

بپا بنیاهین ستمگری این حکومت نظام قضایی و ابراردست آن ساواجا، همان ساواک سابق است که با "سرهازان گنم" انجمنهای باصطلاح اسلامی تقویت شده است. نه تنها ساواجا، بلکه انواع سازمانهای مشابه با نام و بی‌نام متکی به توجیه "شرعی" در همه جا: محله، مسجد، مدرسه، دانشگاه، کارگاه،

کارخانه، اداره، خیابان و بیابان به پیرونده سازی برعلیه مردم ما مشغولند و بی‌پروا به نظام قضایی مردم کش یاری می‌رسانند و زندانها را از مهارزان انباشته می‌سازند. بیکرد و تحت تعقیب قراردادن افراد، توقیفهای خودسرانه و غیرقانونی، پلا تکلیف نگهداشتن زندانیان، خودداری از آزادی آنها، محرومیت از ملاقات، فشار به خانواده‌های آنها، شکنجه‌های جسمی و روحی و فشار ایدئولوژیک سیاست اعلام شده و رسمی چنین نظامی است.

هم اکنون چون دیروز، در زندانهای ایران مادران در کنار نوزادان و دختران نورس، پیران در کنار نوجوانان و جوانان، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران همراه با کارگران و دیگر زحمتکشان به تعدادی بیش از صد هزار هیج گونه امیدی به زنده ماندن خود ندارند چراکه تیربارانهای دسته جمعی امر روزانه نظام قضایی کشور است.

این نظام در اوج بهییمیت و قساوت، در عین

بنیادی زندانبان ...
 کشتار نوجوانان، جوانان و پیران به مسخ روح ، اندیشه و غرور انسانی زندانبان نیز پرداخته است و با توسل به رشوه و روش ممکن آنها و ادار به اقرار، اعتراف ، دروغ، انکار و استغفار می شوند چراکه موضوع اتهام عمدتاً دگراندیشی است و دگراندیشی در تطبیق با موازین حاکم ، توجیه گر استفاده مدام و بلاانقطاع از هر وسیله و ابزاری است در جهت نفی شخصیت انسانی.

جوانان

پرنده های خونین بال در بند، در چنین شرایطی پایداری و مقاومت می کنند و در آزادی پرواز دیگر باره بر فراز دستهای خلق ، سرودی خوانند.

فجایعی که در زندانهای خارج از شمار جمهوری اسلامی می گذرد سرنوشت مشترک تمام مبارزان، صرف نظر از تعلق سیاسی و مذهبی آنها است این فجایع ضرورتاً و الزاماً کوشش و تلاش بیدریغ ، هم آهنگ و مشترکی را ایجاب می کند، باید در جهت گسترش مبارزه و پیروزی اتحاد عمل همه مبارزان، دفاع از اسیران و پیداف را بیش از پیش و با استفاده از حداکثر

امکانات مساعدی که بویژه در خارج از کشور وجود دارد سازمان داد، این کار نه تنها شدنی است بلکه هم آهنگ با آن وظیفه مندیم به خانواده های اسیران، به فرزندان، پدران، خواهران و برادران آنها با تمام توان و بویژه با تلاش خلاق یاری رسانیم. فردا دیراست از هم اکنون باید پاسخگوی فردا بود. ما به سهم خود با تمام توان و با استفاده از همه اشکال و شیوه های ضرور اقدام کرده و خواهیم کرد در عین حال دیگر نیروهای مردمی و مترقی نیز در این جهت عمل کرده و امید که در آینده نیز از هیچ گونه اقدامی فرو گذار ننمایند. اما دوستان و رفقا،

لحظه ای به ژرفای فاجعه ای که در ایران رخ داده و هر روز نیز پیش از روز پیش با چهره مهیب، خشن و بی عاطفه آن نیز روبرو هستیم بیاندیشید. آیا عمل و اقدام جدا از هم ما پاسخگوی مسئولیت و تعهد انسانی و انقلابی ما بوده است؟

ما شمارا به افشاء مستمر، رزم مشترک، عمل و اقدام یگانه در عرصه ای که ده ها هزار انسان زندانی و خانواده های آنها سرنوشت یگانه ای دارند دعوت می کنیم.

آتش جنگ ...

رسید فرصت مناسبی برای سوء استفاده مرتجعین از باورهای مذهبی مردم باشد ، مخالفت با جنگ در مجالس عزاداری و نوحه خوانی کاملاً ضایع بود . مادران و پدران داغدار علناً بر مسیبه کشتار جوانان لعنتاً می فرستادند و خواهان پایان جنگ بودند . در اثر مبارزه جوانان علیه جنگ ، جنبش صلح مقیاس توده ای بخود گرفته و دامنه مقاومت مردم در برابر جنگ افزوزان به روستاهای کشور نیز کشیده شده است . فرمانده سپاه پاسدازان منطقه ۲ در شهریور ماه امسال

اعتراف کرده که : " چون با فصل برداشت محصول مواجه هستیم ، این موضوع جوانان را در چپه تحت الشعاع قرار می دهد " .
 بنظر می رسد که وعده " بهشت " در برابر جان دیگر نمی تواند جوانان روستایی را بفریبد . جوانان روستایی ، زندگی و نان را در مزرعه می چویند نه در چپه ها ، بگذار " بهشت " از این پس ارزانی کسانی باشد که با سوداگری بر هستی جوانان ، کیسه های خود را انباشته اند . توده ها صلح می خواهند و در پرتو صلح ، برای استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند رزمید .

جنایت علیه ...

پرسشنامه هایی را پر کرده و به سوالات زیر پاسخ دهند: سابقه فعالیت سیاسی و صنفی، آدرس و کروکی محل سکونت، نام و نشان فامیل و دوست و آشناء نظرات سیاسی و اجتماعی...

حق طلبانه آنان را به گوش جهانیان برسانند. خیانت و جنایت جمهوری اسلامی را چه بطور عمومی و چه در عرصه دانشگاهها افشا نمایند. مسلما کارآترین شیوه برای تحقق این امر از طریق یک "اتحادیه عمومی دانشجویی" است که اقشار وسیع دانشجویان را در این مبارزه مشترک، متحد کند. ولی امر عاجل دفاع از دانشجویان و جوانان ایرانی را نمی توان به آینده موکول کرد. مسلما در مبارزات دفاعی و افشاگرانه مستمر است که لزوم تشکیل "اتحادیه عمومی" درک و زمینه های آن بیش از پیش فراهم خواهد شد.

در حال حاضر از هرگونه امکانی برای افشای جنایات رژیم در مقیاس بین المللی باید استفاده کرد. از برگزاری نمایشگاههای عکس، نمایشات روی صحنه یا خیابانی، سخنرانی در گردهم آیی های مختلف، تا شرکت درکنگره های کشوری و بین المللی جوانان و دانشجویان، همگی در حد خود لازم و مفیداند. باید دانشجویان و دانشگاه را از چنگال این عفریت فرو نرود و مطالبی نجات داد. باید علم را از حجاب تاریک اندیشی رهایی بخشید. وظیفه سنگینی بر دوش همه ما است.

نیروی انقلابی جوانان و دانشجویان را گسترش دهیم و متحد کنیم!

دوره آخرالزمان!

"بهترین قاریان دانشگاه های تهران
انتخاب شدند." (کیهان، ۲۸/۸/۶۳)
— حالا قرار است بهترین پزشکان و مهندسان
حوزه علمیه هم انتخاب شوند!

نامه‌رسیده از ایران:



سیلی ، پاداش مهربانی یک سرباز!

از لایله‌ی هزاران رویداد تلخ و ناگواری که پادوهای ارتجاع در کله کله میهنان می‌آفرینند ، می‌خواهم یکی را برایتان نقل کنم :

در بهمن ماه سال گذشته ، پس از ماهیابی خبری ، مسئولان زندان به خانواده های افسران میهن پرست توده ای اطلاع دادند که مسران و فرزندان زندانیان می‌توانند در پادگان جیشیدآباد با عزیزان خود ملاقات کنند.

روز ملاقات فرارسید ، مسران و مادران ، پادیدگان حسرت با و دستهای پیر از گل های سرخ و شیرینی آمدند. کودکان سبکیارانه از بی مادران خود با برق شادی در نگاه می‌آمدند. خانواده ها ساعتها پیش از موعد ملاقات بسوی زندان حرکت کرده بودند. آنها با آن حال و وضعی که از گرد راه میرسیدند ، چه بسا در بین راه شکفتی رهگذران بسیاری را برانگیخته بودند.

سرانجام بعد از گذر از هفت خوان و ارسی ها و با زرسی ها ، آنهم زیر آواری از درشت گویی و ناسزا پرکنی های زندانبانها ، ملاقات کنندگان به سالن ملاقات ، به میعادگاه والاترین و پاک ترین فرزندان ایران راه یافتند. کمتر زنی همسر خویش را در نگاه اول بازشناخت . همه گویی دنبال گمشده خویش در تنگنای این فضا در بدر بودند. کدامیک از این چهره های شکنجه دیده ، نحیف ، تکیده و رنگ باخته ، کدامیک از این سرهای از ته تراشیده همسر این زن و یا پدر آن کودک است . اغلب ، این زندانیان بودند که ملاقاتی های خویش را بهجای آوردند و آنها را به پشت شیشه و پای تلفن فرامی خواندند شور و شوق شکر و وصف ناپذیری پریا سیده بود . بسیاری از کودکان نوسال پدران خود را نمی‌شناختند ، آنها هم که می‌شناختند ، با بی تابی آغوش پدران خویش را طلب می‌کردند. آخر پدران آنها مهربانترین پدران بودند. در این هنگامه ، کودکی پاسخ پریش خود را از مادرش می‌خواست : " مامان بگو چرا اینها را انداخته اند توی شیشه ؟ " کودک دیگری از مادر خود پرسید : " مامان چرا اینها مثل من راه می‌ره ؟ " .

بغض و اشک و نگاههای معصومانه کودکان صحنه دردناک و دلخراشی را به وجود آورده

بود. کیست که عواطف انسانی در او عمل کند و در برابر این صحنه ها دستخوش جوش احساسات نشود. آخر سر بازی که در اینجا به نظاره ایستاده است نیز دل دارد.

چند دختر و پسر خردسال جلوی سر باز ایستاده بودند، دختر بچه ای به سر باز گفت: " آقا میشه ما بریم اون پشت پیش بابامون! "

نگاه سر باز که کوبی در جایی دوردست سیر و سیاحت میکرد، به روی آنها بازگشت و خیره وار بر روی آنها ماسید. بغض کلوش را می فشرد. با دست به بچه ها علامت داد که صبر کنید، الان باز می گردم. یا هایش بسوی افسر نگهبان به حرکت درآمد. بچه ها او را تماشا می کردند. سر باز به افسر سلام نظامی داد، آنگاه با صدایی شکسته ورگه دار به افسر گفت: " برادر این بچه ها می خواهند باباهایشان را ببینند، امکان داره به آنها ملاقات حضوری بدهیم، آخه... "

رشته کلام سر باز را سبلی افسر کست. افسر فریاد برداشت: " پروکشترا این... ". سر باز که اشک در چشمانش حلقه زده بود، با قروری زخم خورده دندانهای خشمش را برهم می فشرد و مشتش را در دست نوازش می داد. او در گوشه ای ایستاد و به کودکان و نگاه پر معنی آنها خیره شد....

تبهکار ریایی که امروز کار گزاران ارتجاع و امپریالیسم، در هر گوشه ایران، به آن دست می زنند، چشمه خونفشانان از دردها و رنجها و هتاجایع بزرگ غیر انسانی را در سینه هر انسان با وجدان بپوش می آورد. تاریخ این صفحات خونبار را از خاطر خویش نخواهد زدود. دیری نخواهد پایید که آتش خشم و مشت گره کرده مردم بیدار دل ایران دامن رژیم رسوا را خواهد گرفت.

سال ۱۹۸۵

و شکنجه و اعدام، هستی جوانان را تباه ساخته و همه حقوق آنان را پایمال کرده است. " سال جهانی جوانان" در ایران نیز مانند سراسر جهان باید به سال گسترش مبارزه در راه تامین حقوق جوانان و در راه پی ریزی آینده بهتر برای آنان، به سال جلب افکار عمومی جهان به مسائل جوانان، به سال مبارزه علیه جنگ، بیعدالتی و ستم تبدیل شود. در "سال جهانی جوانان" باید زندگی و مبارزه جوانان ایرانی را به دنیا شناساند و تجربیات مثبت جوانان دیگر نقاط جهان را برای جوانان میهن به ارمغان آورد.

در "سال جهانی جوانان" برگزاری دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو از اهمیت خاصی برخوردار است. از ۲۸ ژوئیه تا ۲ اوت امسال جوانان و دانشجویان ۵ قاره جهان در مسکو گردهم می آیند تا یک بار دیگر عزم راسخ خود را بدفاع از صلح جهانی و دوستی بین خلقها و سازش ناپذیری خود را در نبرد علیه امپریالیسم به نمایش گذارند.

جوانان میهن ما نیز اکنون با مسائل و بفرغ و مشکلات پر شماری دست و پنجه نرم میکنند. رژیم قرون وسطایی و جنایتکار ج.ا. با اصرار بر تداوم جنگ و با حبس

نامه سازمان جوانان توده ایران به فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

دوستان عزیز!

بطوریکه اطلاع دارید از ۱۲ نوامبر محاکمه عده ای از اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران، که نزدیک به دو سال است در زندانهای رژیم استبدادی-قرون وسطایی ایران بسر می‌برند، آغاز خواهد شد. در این به اصطلاح محاکمه، مسلم ترین اصول و موازین قضائی، و منشور حقوق بشر زیر پا گذاشته شده است. متهمین دو سال است که زیر وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند. در تمام این مدت، ارتباط آنها با جهان خارج یکلی قطع بوده است. اعمال شکنجه های وحشیانه از یکسو و فقدان مراقبت پزشکی از سوی دیگر، آنان را به آستانه مرگ کشانده است. ولی دژخیمان رژیم باین قانع نیستند و قصد نابود کردن آنها را دارند. محاکمه فرمایشی که در صدد تشکیل آئند، بهمین منظور تدارک شده است. برای نجات جان این مردان و زنان شریف و میهن پرست، باید اقدام کرد. اینها در سراسر زندگی خود در راه ایده های والای صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه کرده اند. این وظیفه تمام نیروهای صلحدوست، آزادیخواه و مترقی جهان است که در راه نجات جان همزمان ایرانی خود مبارزه کنند.

دوستان عزیز، از شما طلب می‌کنیم که برای نجات جان رهبران حزب توده ایران، تمام نیروهای خود را بسیج کنید و فریاد ملت ستمدیده و زحمتکش ایران را که زیر فشار استبداد قرون وسطایی دست و پا می‌زند، در جهان منعکس کنید. دژخیمان رژیم در سالهای اخیر دهها هزار تن از فرزندان شرافتمند کشور ما را پیر و جوان، زن و مرد، دانشجو و کارگر، دهقان و پیشه ور، نظامی و غیرنظامی تیرباران کرده اند. صدها هزار نفر را به زندانها و شکنجه گاهها فرستاده اند. اکنون توطئه جدیدی در دست اجراست. فقط با یک کارزار بزرگ جهانی می‌توان این توطئه را برهم زد. از شما طلب می‌کنیم که ما را در این مبارزه یاری دهید.

یاد ردهای گرم

سازمان جوانان توده ایران

دانشجویان و جوانان مبارز ایرانی و
خوانندگان خود در اولین شماره آرمان درج
نمودیم:

"آرمان"

نامه فوق در ماه نوامبر ۱۹۸۴، از طرف
سازمان جوانان توده ایران برای فدراسیون
جهانی جوانان دمکرات ارسال شده است. نظر
به اهمیت موضوع، ما متن آنرا برای اطلاع

بیانیه همبستگی بامبارزه برحق مردم و جوانان ایران

آنان صادر شده و احکام به اجرا نیز درآمده است. بسیاری به زندانهای طویل المدت محکوم شده‌اند. ادامه بازداشت غیرقانونی رهبران حزب، در بین آنان عده‌ای از اعضای کمیته مرکزی، در زندان اوین نشانه دیگری از سیاست سرکوبگرانه رژیم است.

دبیرخانه ف. ج. ج. دبانگرانی عمیق مطلع شد که محاکمه قریب الوقوع این رفقا در زندان اوین که رفیق زرشناس، دبیر اول کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران نیز در بین آنانست به موعده نامعلومی موکول شده است. این حرکت محافل حاکمه ایران در پی انحراف افکار عمومی جهان است که یکصد خواهان یک محاکمه آزاد و عادلانه است. برخلاف تمام موازین، خانواده‌های آنان قبلاً باخبر شده‌اند که احکام اعدام به رویت قربانیان رسیده است با وجود آنکه هیچ محاکمه‌ای صورت نگرفته بوده است. این امر نقض خشن حقوق بشر و عدالت رادر شرایط کنونی حاکم در ایران نشان می‌دهد.

دبیرخانه ف. ج. ج. دبا بیان امید میلیون‌ها عضو آن در پنج قاره جهان، آزادی تمام زندانیان سیاسی را در ایران می‌طلبد. دبیرخانه ف. ج. ج. دهمچنین خواهان آنست که گروهی از متخصصین بین المللی برای معاینه وضعیت جسمانی زندانیان سیاسی ایران اعزام شوند. هیئتی مرکب از حقوقدانان دمکرات برای بررسی آنکه این "اعترافات" چگونه از زندانیان در زندان اوین کسب شده است، به بقیه در صفحه ۲۶

دبیرخانه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات توجه تمام نیروهای مترقی و دمکراتیک سراسر جهان را به خطری که جان رهبران جنبش دمکراتیک در ایران را تهدید می‌کند جلب می‌نماید. پس از اعمال فشارهای مهیب علیه توده‌هایی که خواست آنان برای ترقی اجتماعی انکارناپذیر است، مقامات قضایی ایران در پی نابودی فیزیکی حزب توده ایران هستند. نقش قهرمانانه‌ای که حزب توده ایران در اوج انقلاب ضدامپریالیستی ایران بازی کرده است با حروف زرین در دفتر تاریخ کشور ثبت شده است. حزب توده ایران و رهبری آنان توده‌های زحمتکش و جوانان رزمنده را علیه دیکتاتوری منغور شاه و سازمان امنیت بهیمی آن ساواک بسیج کرد و دستگیری روشن ضدامپریالیستی به پیکار آنان داد. با وجود مواجه بودن با مرگ و شکنجه توده‌ای‌ها همچون صخره برای تائیدن اتحاد تمام نیروهای دمکراتیک استوار ایستادند. این حقیقت انکارناپذیر است که حزب توده ایران نقش بزرگی در پیروزی مردم علیه شاه ایفا کرد.

ف. ج. ج. داعتقاد دارد که یورشهای کنونی به حزب توده ایران و جوانان متشکل کشور با آرمانهای انقلاب ایران در تعارض است. مسئولین کشور با جدا کردن خود از نیروهای دمکراتیک کشور به تمام کسانی که بر منافع توده‌ها استوار ایستاده‌اند اعلام جنگ داده‌اند. رهبران حزب توده ایران و جنبش دمکراتیک جوانان، اخیراً نیز به محاکمه کشیده شده‌اند. احکام متعدد اعدام برای

است. دوستان جوان آلمانی در نامه خود خواستار شرکت ناظرین بین المللی در دادگاهها و قطع هرگونه فشار علیه زندانیان شده اند.

● کمیته استان نیدرزاکسن این اتحادیه نیز نامه ای خطاب به دفتر آیت الله خمینی ارسال داشته است و در آن یادآور شده است که "خبر انجام قریب الوقوع محاکمات علیه اعضای حزب توده ایران موجب نگرانی عمیق افکار عمومی در کشور ما یویژه جوانان گشته است". در این نامه ذکر شده است که "این محاکمات معایر انسانیت و عدالت است و جزو اعمال فشارسیستماتیک علیه اپوزسیون دمکراتیک و سوسیالیستی است". در این نامه ضمن محکوم کردن این محاکمات نمایشی، شرکت ناظرین حقوقی و یزشکی بین المللی در این محاکمات خواستار شده و عدم انجام آنها را نشانه بی اعتباری حقوقی این "سناریوهای آتی" دانسته اند.

● جوانان سوسیالیست، دانشگاه اشتوتگارت در نامه خود به سفارت جمهوری اسلامی ایران نوشته اند: "با انزجار آگاه شده ایم که حقوق بشر در کشور شما نقض می شود در حالی که می بایست برای تمام انسانها، از هر جنس، نژاد، تعلقات مذهبی و یا عقاید سیاسی تأمین شود". آنان در نامه خود خواستار شرکت ناظرین بین المللی در این محاکمات و لغو هرگونه احکام از پیش تعیین شده ای گشته اند ●

نامه اعتراضیه

اتحادیه مارکسیستی دانشجویان اسپارتاکوس، ... آلمان فدرال بخش کلن، خطاب به سفارت جمهوری اسلامی ایران درین: اتحادیه دانشجویان مارکسیست در نامه خود اعتراض دانشجویان مترقی آلمانی را علیه محاکمات فرمایشی کادرها و رهبران حزب توده ایران ابراز داشته و اعلام کرده اند که آنان بخواهی به این امر واقفند که این محاکمات به اصطلاح علنی چیزی بیش از نمایشات تازه علیه اعضای حزب توده ایران، به مثابه بخشی از نیروهای اپوزسیون مترقی در ایران نیست.

دانشجویان مارکسیست آلمانی در نامه خود نوشته اند: "ما علیه شکنجه های حیوانی زندانیان قبل از محاکمات شدیداً اعتراض می کنیم... و ما این "محاکمات علنی" را نمایش می دانیم و آنرا تا زمانی که شرایط برای روشن شدن حقایق فراهم نگردد از لحاظ قانونی بی اعتبار می دانیم".

در این نامه خواست های مشخصی برای شرکت هیات های ناظر بین المللی، حقوقی و یزشکی، عنوان شده است.

● اتحادیه سوسیالیستی جوانان کارگر آلمان فدرال، کمیته استان سلسویگ هولشتاین نامه ای به سفیر جمهوری اسلامی در برن ارسال کرده و در آن محاکمات فرمایشی علیه اعضای حزب توده ایران را محکوم کرده است. در این نامه به شکنجه های اعمال شده علیه زندانیان توده ای و نقض حقوق قانونی آنان اعتراض شده

سوز زخمی بر جان

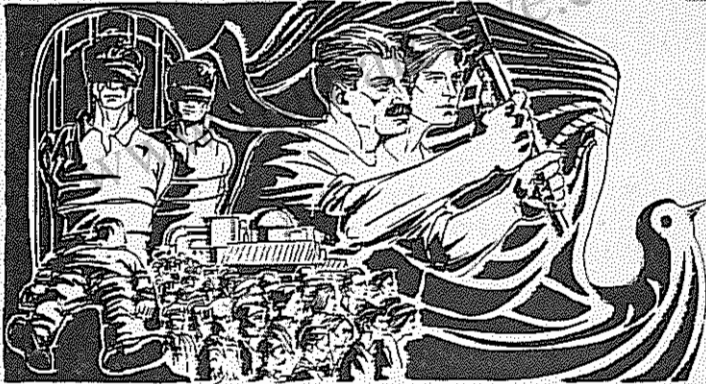
(بارہ ای از یک منظومہ)

در غروب یک برگ
زنی آغشته به کیسویتش دود
با کلونٹی مجروح
زندگی را با نجوی خونینش می شمرد
نفس مرد غریب
تلخ از درد توانکاه فریب
که در آویخته با شکره سخت طناب
صبح را می خواند

شاعر از دریای بغرنبی می خیزد
شعر بیدارش بر خواب زمین می ریزد
کودکی پیر، چنان
شکش را که بر آما سیده از خالی ست
طلب رسوائی هر گنجوری می سازد

کاروان می گذرد
سوز زخمی بر جان
عطشان خنکبهای جهان
کاروان را نه یکی چشمه خرد
راه را در جان عطشانک برد
کاروان را دریا

دریاها
توفانها
بستری هست برای رفتن
جان به میدان بردن



با گل عشق به پیشانی کار
بنجه در بنجه تا ریک هزاران دشوار
کاروان می گذرد

کاروان می گذرد
جاده از شوق عطش می سوزد
دشت از خون خروسان کلوجاک شده
نور می زاید و عشق

م. ف. غزل

حجله گاه بهار



کرد آئید

با کوره های پر آتش خشتان
مشتان نیام پتکهای یولادین بیگرتان

کرد آئید

با قطار قطار خیش و گاو آهن
سخره شانه هایبان
پنماگاه داس کینه جویبان

کرد آئید

خواهران ستمکشیده من
در یلنگ چشمانتان
بهرق فتح ستمکشان

کرد آئید

کودکان میهن سبز داغدار
بر شاخسار انکشتانتان
کلبر کهای دست نویس رهایی و بییکار

کرد آئید

بیگرم پرچم بوش بهار را حرامیان
به مسلخ کشانده اند

کرد آئید

با تباله مشتاهمان
بر حرامیان ره ببندیم

تا در کبود کند یاقوت میهنان
با زلال ابریشمین حجره همان
بهار را بخوانیم
تا در میان رنگین کمان شمشیر و کیندم و انسان
در تابش خورشید عدالت
و بارش باران صلح و رهایی
بهار را به حجله بنشانیم

کرد آئید

چون قطره های الماس
بهر بلور تیره شد
تا بر دامن سحر
ستاره بیفشانیم

محمود کوثر

حقوق بشر در کجاست نقض می‌شود؟ در اتحاد شوروی یا در کشورهای "جهان آزاد"

می‌بایست دربارهٔ اجرای قرارداد پیرامون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد گزارش بدهند. کمیتهٔ حقوق بشر در سازمان ملل متحد نیز برای بررسی اجرای قرارداد حقوق شهروندی و سیاسی توسط دولت‌های عضو در سال ۱۹۷۶ تأسیس شده است. اعضای این کمیته با رای مخفی از میان نمایندگان کشورهای مختلف انتخاب می‌شوند. کمیتهٔ حقوق بشر گزارش‌های دولت‌امضاء کنندهٔ قرارداد را بررسی می‌کند. مضمون این گزارش‌ها، اطلاعاتی دربارهٔ کلیهٔ قوانین و نیز اقدامات و تدابیر دولتی در جهت اجرای حقوق یادشده در قراردادها و نیز پیشرفت‌ها و یا مشکلات اجرایی آن است. بحث پیرامون این گزارش‌ها در اجلاس‌های عمومی انجام می‌شود. هر کس می‌تواند به آسانی دربارهٔ این که در این یا آن کشور و از جمله در کشور ما، حقوق سیاسی و شهروندی چگونه تأمین و مراعات می‌شود، اطلاعاتی کسب کند.

رسیدگی نخستین گزارش‌های کشورهای غربی تأثیر نامطلوبی در کمیتهٔ بجا نهاد. گزارش‌های نمایندگان انگلستان، آلمان غربی و کانادا حاکی از آن بود که در این کشورها برخی از مواد قرارداد اجرا نمی‌شود و یا محدودیت‌های قانونی مهمی در اجرای حقوق و آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک وجود دارد. مثلاً سال ۱۹۵۰ در آلمان غربی قانونی تصویب شد که طبق آن حق کار در ادارات دولتی از اعضاء سازمان‌هایی چون حزب کمونیست آلمان، جوانان آزاد آلمان، جمعیت آلمان غربی - اتحاد شوروی، کمیتهٔ مبارزان

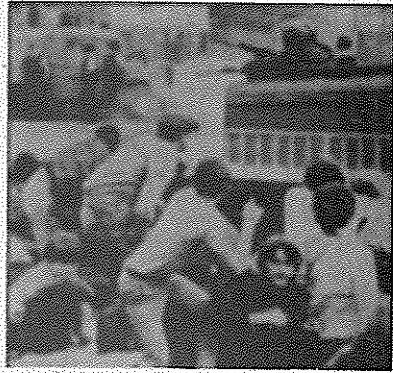
"دنيس فروست" شهروند آمريكايي اهل "ناشويل" از مجلهٔ "عصر جديد" چاپ مسكو سوال كرد:

"در مطبوعات آمريكا مطالب زيادي دربارهٔ نقض حقوق بشر در اتحاد شوروي منتشر مي‌شود. من درك مي‌كنم كه در اين نوشته‌هاي توام يا هياهو، زياده‌رويهايي مي‌شود. اصولاً معيار سنجش رعايت حقوق بشر در جايي، چگونه مشخص مي‌شود؟ قاعداً بايد يك مكانيسم بين المللي اين مسئله را بررسي كند. نظر شما چيست؟"

پروفسور "آنانتولي موجان" معاون صدر جمعيت حقوق بشر اتحاد شوروي در شمارهٔ ۵۰ (سال ۱۹۸۴) مجلهٔ "عصر جديد" به سوال "دنيس فروست" پاسخ داده است:

آقای "فروست" عزیز! مکانیسمی که دربارهٔ آن نوشته‌اید وجود دارد و عمل می‌کند، اما مطبوعات غرب ترجیح می‌دهند دربارهٔ آن سکوت کنند. ۲۰ سال پیش در سازمان ملل متحد تدوین حقوق بشر پایان یافت، که شامل موارد زیر بود: بنابینا، عمومی حقوق بشر، که در دم دسامبر ۱۹۸۴ اعلام شد. قرارداد بین المللی دربارهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز قرارداد بین المللی دربارهٔ حقوق شهروندی و سیاسی. این قراردادها در سال ۱۹۶۶ به تصویب سازمان ملل متحد رسید.

دولت‌های امضاء کنندهٔ قرارداد‌های مربوط به حقوق بشر موظفند پیرامون اجرای تعهدات خود دربارهٔ تأمین این حقوق به ارگان‌های بین المللی گزارش بدهند. مثلاً دولت‌های عضو



سرکوب آزادی و دموکراسی در ایرلند شمالی و مقاومت چشمگیر جوانان ایرلندی برای کسب حقوق پایمال

صلح و جمعیت ضدفاشیست و... سلب شده است.

قانون پرچورده { ی نژادی مصوبه سال ۱۹۷۶ پارلمان انگلستان نیز تاثیر بدی در کمیته حقوق بشر بیجا نهاد. سازمان نفوفاشیست "جبهه ملی" انگلستان بر اساس این قانون شهروندان انگلیسی آسیایی و آفریقایی الاصل را سرکوب می کند. نماینده انگلستان در کمیته حقوق بشر این واقعیت را که در ایرلند شمالی حقوق اساسی و آزادی انسانها پایمال می شود، نفی کرد، در ایرلند شمالی اکثر مواد مربوط به حقوق شهروندی و سیاسی و از آن جمله ماده ۱۰ درباره رفتار انسانی و احترام به شخصیت انسان، ماده ۱۷ درباره عدم دخالت خودسرانه و غیرقانونی در زندگی خصوصی و یا خانوادگی، ماده ۱۹ درباره آزادی عقیده، ماده ۲۱ درباره حق تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز و ماده ۲۲ درباره آزادی تشکیل جمعیت ها مراعات نمی شود. باید خاطر نشان سازیم که در بریتانیای کبیر تا به امروز از اجرای این ماده

قرارداد بین المللی که بایستی " هرگونه تبلیغ جنگ قدغن شود" سرپیچی می شود. این را درباره خیلی از کشورهای غربی می توان گفت.

و اما، اتحاد شوروی که قبل از همه دول بزرگ قرارداد مربوط به حقوق بشر را تصویب کرد، در ژانویه سال ۱۹۷۸ گزارشی به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تقدیم کرد که طی آن حقوق و آزادیها و وظایف شهروندان اتحاد شوروی بطور وسیع مشخص شده بود. این گزارش به مقیاس وسیع به زبانهای انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی و روسی منتشر گردید. گزارش یادشده در اجلاسیه کمیته حقوق بشر در ژنو مورد بحث قرار گرفت و نظر دیپلماتها، مطبوعات و افکار عمومی را به خود جلب کرد. در میان شرکت کنندگان جلسه، نمایندگان سازمانهای قیردولتی گوناگون، از قبیل کمیته بین المللی حقوق دانان و نیز کارمندان هیئت نمایندگی ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد نیز حضور داشتند. به هنگام بحث پیرامون گزارش، سوالهای زیادی به نماینده اتحاد شوروی داده شد و از آن جمله درباره هیاهوی ضدشوروی در غرب. من (آنتونی مرچان - معاون صدرجمعیت حقوق بشر اتحادشوروی) همین جندی بیش از ژنو که در آنجا جلسه نوبتی کمیته جریان داشت مراجعت کردم. در این جلسه گزارش دوم اتحاد شوروی بررسی شد. این بار جریان بررسی بفرنج تر شده بود. نخست به نماینده اتحاد شوروی سوالات کثیری داده شد، اما به هنگام پاسخ هریک ازاعضاء کمیته مرکزی بطور شفاهی سوالات عدیده دیگری مطرح کردند. رویهمرفته بیش از ۲۰۰ سوال طرح شده بود که به تمام آنها پاسخ قانع کننده داده شد. کارشناسان ونزولایی و بریتانیای کبیر پیشنهاد کردند که اسناد کمیته مربوط به سخنرانی اعضای هیئت نمایندگی بقیه در صفحه ۲۴

بیکاری و فقر روز افزون در "جهان آزاد"!



آنها که در صفوف طولانی برای گرفتن یک بشقاب غذای مجانی به گدائی ایستاده‌اند به چه چیزی میتوانند فکر کنند؟

برند. در ایالات متحده آمریکا نصف سیاه پوستان بیکارند. در این کشور ۴ میلیون بی خانمان شب را در معابر عمومی صبح می‌کنند. در دیگر کشورهای سرمایه داری رشد یافته نیز وضع بهتر از این نیست: ۱۰۰ هزار خاوار بی خانمان در آلمان فدرال، بیش از ۵۰۰ هزار در ایتالیا و بالغ بر ۵۰ هزار در انگلستان.

هنه این واقعیت‌ها مربوط به شورهایایی است که شب و روز در بوق و کرناهای خود درباره آزادی و دمکراسی داد سخن می‌دهند.



فقر و بیکاری،
ارمغان "جهان آزاد" برای جوانان

در سالهای اخیر تعداد بیکاران در کشورهای سرمایه داری باشتاب روبه افزایش است.

تعداد رسمی وثبت شده بیکاران که در سال ۱۹۷۰ بالغ بر ۸ میلیون نفر میشد، در سال ۱۹۷۵ به ۱۵ میلیون، در سال ۱۹۸۰ به ۲۰ میلیون و بالاخره در سال ۱۹۸۴ به ۲۵ میلیون نفر افزایش یافت.

در کشورهای سرمایه داری بیش از ۵۰ صد بیکاران را جوانان تشکیل می‌دهند. مثلا در فرانسه نیمی از ۲۴۰ هزار بیکار، دختران و پسران کمتر از ۲۵ ساله اند.

شمار فقرا در کشورهای بازار مشترک به ۲۰ میلیون نفر می‌رسد. به موجب آمار رسمی، شمار فقرا در ایالات متحده آمریکا در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳، ۸٫۴ میلیون نفر افزایش یافته است. یک نفر از هر پنج نفر مردم آمریکا، یا به بیان دیگر ۴۵ میلیون نفر آمریکایی در شرایطی زندگی می‌کنند که بنابه اعتراف رسانه‌های گروهی این کشور زیر فقر نامیده میشود و بنام همین اعترافات، مریک نفر از چهار آمریکایی در فقر و مسکنت بسر می

زمان دیگر، با برجستگی و اهمیت خاصی نمودار می‌شود: متشکل کردن دهقانان در اتحادیه‌ها و سازمانهای محلی و دهقانی، کوتاه کردن دست مالکان بزرگ و سرمایه‌داران غارتگر و خانها از روستاها و عشایر و مقابله با بازگشت مجدد غارتگران، بازسازی روستاها، و مقدم بر همه این وظایف، پایان دادن به این جنگ خانمانسوز! در شرایطی که جمهوری اسلامی تا کلودر لجنزار خیانت و فساد فرو رفته و در باتلاقی از خونهایی که ریخته است دست و پا می‌زند، هر گاه اتحاد هشیارانه دهقانان و همبستگی آگاهانه آنان با زحمتکشان شهرها برقرار شود و استحکام یابد، بیروزی توده‌ها قطعی است!

و خامت می‌گراید، حتی مهاجرت گروهی آنان به شهرها نیز جز تیره روزی و فلاکت و آوارگی بیشتر حاصلی به بار نخواهد آورد. علاوه بر همه اینها مصیبت جنگ خانمانسوز بیداد می‌کند. حکومت جمهوری اسلامی جوانان و نوجوانان روستاها و عشایر را هزار هزار در جبهه‌های جنگ قربانی می‌کند تا مگر بتواند چند صباحی به حاکمیت ننگین و نفرت انگیز و مرگبار خود ادامه دهد و راه را برای سلطه بیشتر بزرگ مالکان و سرمایه‌داران - واریاب بزرگی آنها، امیربالیسم - بازتر و هموارتر سازد.

در چنین شرایطی است که وظایف بزرگ جوانان دلیر روستایی و عشایر، بیش از هر

کشور تا کنون اکثر قراردادهای سازمان ملل متحد را پیرامون این مسئله تصویب نکرده و بنابراین چیزی شرکت کنندگان آن نیست". به نوبه خود "آندره یانگ" که او هم نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد بود اعتراف کرد که "کنگره آمریکا از تصویب قراردادهای بین المللی کلیدی پیرامون حقوق بشر که بر حسب آن مکانیسم ویژه بین المللی برای اجرای آنها بوجود آمده، خودداری می‌کند".

"آقای فورست! بدینان باید نتیجه گرفت که در مسائل مربوط به دفاع از حقوق بشر و همچنین دیگر مضلات حاد بین المللی فرق فاحشی بین گفتار و کردار مقامات رسمی و اشنگتن دیده میشود

حقوق بشر در کجا ...
اتحاد شوروی بطور مبسوط منتشر شود.
آقای "فروست" چنانکه یادآوری شده، مطبوعات غرب که اتحاد شوروی را به نقض واهی حقوق بشر متهم می‌کنند چیزی درباره همکاری اتحاد شوروی با "مکانیسم بین المللی" نمی‌نویسند. جالب است که واشنگتن، یعنی مبتکر انواع کارزارها در دفاع از "حقوق بشر" در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تا به امروز هیچ یک از موافقت نامه‌های بین المللی مربوط به حقوق بشر را تصویب نکرده است. اظهارات رسمی "چارلز یوست" نماینده ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل متحد بر این واقعیت مهر تایید می‌زند.
"چارلز یوست" می‌گوید: "علیرغم اعلام ایالات متحده آمریکا به وفاداری به حقوق بشر ایسن

مرگ بر امیربالیسم جنایتکار آمریکا، دشمن خلقهای جهان!

مروری بر خیزش خلق ...

به حکومت تعطیل شدند، امکان فعالیت انقلابی قانونی و علنی یکسره از میان رفت، هزاران مبارز که آرزوی جز تحقق آماجهای انقلاب در سر نداشتند به زندان و شکنجه های سخت قرون وسطایی گرفتار شدند و یا به شهادت رسیدند.

در چارچوب این سیاست سرکوب و اختناق - به عنوان حلقه اصلی آن - در بهمن ماه ۶۱ یورش وحشیانه به حزب توده ایران آغاز شد. حزبی که پیگیرترین دشمن امپریالیسم و نیرومندترین تکیه گاه خلق در مبارزه بخاطر حقوقشان بشمار می رده، به زعم ارتجاع باید از سر راه برداشته میشد. در حقیقت یورش به حزب توده ایران یورش به همه دستاوردهای انقلاب بود.

همراه و همزمان با هجوم جنایتکارانه به حزب توده ایران، ستیزه جویی لحام گسیخته و لجاجت آمیز با اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم، که در عرصه بین المللی از انقلاب ایران قاطعانه پشتیبانی می کردند، شدت گرفت و گسترش یافت، تا مگر موقعیت انقلابی ایران را مخدوش کند و از اعتبار حمایتهای بین المللی شوروی بکاهد و از این رهگذر امپریالیسم را از خود خشنود سازد.

اکنون خلق مبارز و انقلابی ایران با روند شتاب آمیز بازگشت به عقب، در جهتی خلاف آنچه بخاطر آن انقلاب کردند روبروست. فساد و بحران عظیم اقتصادی - اجتماعی سراسر کشور را فرا گرفته و جان توده های میلیونی را به لب آورده است.

زندگی مردم را رنجی مداوم و گرفتاریهای پیچیده و همه جانبه اندوهبار به سختی تلخ و تیره ساخته است. کشور به زندانی بزرگ، محوف و مرکبار مبدل شده که نه فقط دگر

اندیشان و مبارزان انقلابی، که همه خلق زحمتکش کشورمان همه اقوام و ملیت ها در آن گرفتار شده اند و به سختی رنج می برند. در این میان زنان ستم دیده و جوانان زحمتکش و محروم بیش از همه مشقت های طاقت فرسا را تحمل می کنند. سیاستهای خیانت آمیز ج.ا. پیامدهایی جز این نمیتوانست داشته باشد. حاکمیت ج.ا. باید حساب پس بدهد.

با اینهمه و برغم همه فشارها و سرکوبها و کشتارهای جمعی خلق، توده های مردم از پیکار باز نماندند. مردم زجر دیده ایران حاکمیت خیانتکار ج.ا. را به مبارزه می طلبد. ناراضایی و خشم عمومی مردم سراسر سرزمین انقلابی ما را فرا گرفته است. مقاومتها و مبارزات گروههای عمده اجتماعی - کارگران، دهقانان، زنان، جوانان - گسترش می یابد. پایان دادن به جنگ تحمیلی با عراق از فوری ترین هدفهای این مبارزات و مقاومتها است. جنبشی بزرگ در راه ایجاد دموکراسی و تامین اجتماعی و برای برون رفت از بحران عمیق و همه جانبه ناشی از انحرافها و خیانتهای حاکمیت، در راه است.

ارتجاع در تلاش بمنظور سرکوب این مبارزات و مقاومتها که زمینه ای بس گسترده دارد و از عملیات انقلابی آینده خبر می دهند، بیش از پیش به اقدامات تزیینی و فشار و سرکوب متوسل می شود و در این راه از هیچ جنایت بیشرمانه ای فروگذار نمی کند. حاکمیت مرتجع و مستبد ایران چنین می پندارد که با دستگیری و شکنجه و اعدام جمعی اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای اصیل انقلابی و با تحمیل انواع اتهامات بی پایه خواهد توانست این حزب را

بقیه در صفحه ۳۹

می‌شود. سیصد و پنجاه هزار کتابخانه در خدمت ۲۰۰ میلیون نفر از ساکنین کشور قرار دارد.

اگر این ارقام را با آمار کتب و کتابخانه‌های ایران مقایسه کنیم به نتایج حیرت‌آوری می‌رسیم. تنها در عرض یکسال در اتحاد شوروی ۶۷۳ برابر کلیه ذخایر موجود کتاب در کتابخانه‌های عمومی ایران، کتابهای جدید چاپ و منتشر می‌شود. اتحاد کتابخانه‌های عمومی در اتحاد شوروی بیش از ۷۰۰ برابر ایران است، در حالیکه اتحاد شوروی فقط ۷ برابر ایران جمعیت دارد! در کتابخانه‌های اتحاد شوروی محققین، اساتید دانشگاه و زحمتکشان به همه نوع کتاب دسترسی دارند.

علاوه بر این روزانه ۱۰۲ میلیون نسخه روزنامه در اتحاد شوروی منتشر می‌شود و زحمتکشان را از واقعیاتی که در جهان امروز می‌گذرد آگاه می‌سازد ولی تیزر از روزنامه‌های "اربعه" در جمهوری اسلامی به مرز ۲۵ هزار نسخه نیز نمی‌رسد.

بیانیه همبستگی

ایران گسپیل شوند. به متمهین باید حق انتخاب وکلای مدافع داده شود.

بگذار تمام نیروهای دمکراتیک جهان در پشتیبانی از حزب توده ایران و دیگر نیروهای دمکرات ایران گرد آیند.

ف. ج. ج. سازمان‌های عضو دوست خود را فراهمی خواند تا از این کارزار حمایت کنند و همبستگی گسترده خود را با رفقای توده‌ای که با سختی‌های غیر قابل‌تصورى مواجه اند و متمه به ارتکاب کنه‌ها ناکرده اند، اعلام دارند.

بوداپست، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴

دبیرخانه، ف. ج. ج. د.

کتاب و کتابخانه

کتاب و کتابخانه بهتر از این نخواهد بود.

آنچه وضع را اسفبارتر می‌کند، ترکیب کتابهای موجود است. بدون اغراق می‌توان گفت که از ۲ میلیون کتاب موجود در کتابخانه‌ها، حداقل یک میلیون جلد آنرا کتب "ادعیه و حدیث" چون "مفاتیح الجنان"، "حیات القلوب" و "رسالات شرعیه" تشکیل می‌دهند. حتی کتابهای شادروان آیت الله طالقانی و دکتر علی شریعتی نیز مشمول این "تصفیه‌های" شرم‌آور شده‌اند. در میهن ما حتی محققین و اساتید دانشگاه نیز این امکان را ندارند که منابع اصلی مارکسیستی - لنینیستی دسترسی داشته باشند، در حالیکه هر روز و شب در دستکاهای تبلیغاتی رژیم و ورق‌پاره‌های جیره‌خوار آن علیه ایدئولوژی ظفرنومین مارکسیسم - لنینیسم و نیز وجود "اختناق" در کشورهای سوسیالیستی یاوه‌سرایی می‌شود. البته در این مورد جای هیچ‌تسجیبی نیست، چرا که ستیز با علم و ترقی، خصلت مشترک همه مرتجعین عالم است. بی‌آنکه بحث را به درازا بکشانیم، برای آنکه عمق فاجعه کتاب و کتابخانه درج ۱۰۰ بیشتر روشن شود، توجه شما را به آمار زیر جلب می‌کنیم.

این آمار که در سال ۱۹۷۹ (۶ سال پیش) وضع کتاب و کتابخانه‌ها را در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان می‌دهد، سند رسوایی کسانی است که با پای چوبین دروغ به جنگ واقعیات برخاسته‌اند:

در اتحاد شوروی سالانه ۸۵۰۰۰ عنوان کتابهای کوتاه‌گون در ۱۹۰۰ میلیون نسخه و به ۱۰۹ زبان منتشر می‌شود. هر ساله ۲۰۰۰ اثر از نویسندگان خارجی در ۱۲۰ میلیون نسخه ترجمه و چاپ

سال ۱۹۸۵: "سال جهانی جوانان"

جنوبی تا ایران، همچون امواج نوینی چهار گوشه کیتی را فرا گرفته است.

برای پیکاری زمینه های اصلی این جنبش توفنده و انقلابی، باید به وضعیت اجتماعی - اقتصادی جهان در دهه های اخیر توجه کرد. بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی بی عدالتی، ستم، خطر جنگ و نابودی بشریت نادیده انکاشتن ارزشهای انسانی و انحطاط فرهنگی، ریشه های اصلی نارضایتی و حرکت امروز جوانان را در کشورهای سرمایه داری و یا وابسته به امپریالیسم، تشکیل می دهد. در این کشورها هیولای بیکاری در برابر جوانانی که میخواهند به دنیای کار و تولید کام نهند، قد علم کرده است. مشکلات اجتماعی و فقر و فساد برگرده جوانان سنگینی میکند. ده ها میلیون جوان از امکانات لازم و کافی جهت شکوفایی تن و روان خود برخوردار نیستند. محرومیت از امکانات آموزشی و عدم انطباق نظامهای آموزشی با نیازهای امروزی جوامع بشری، از مشکلات جسی جوانان بشمار می روند.

همه این مسائل، جوانان پیر شورورزمجر را بیش از پیش به میدان مبارزه علیه نظامیکری، بیعدالتی اجتماعی، خفقان، فساد و جهل کشانده است. امروز جوانان نقش انکار ناپذیر در مبارزه برای صلح، در دفاع از حقوق توده های محروم، در تقویت همکاری فرهنگی خلقها، در حفظ محیط زیست و منابع طبیعی و در استفاده از علم و تکنولوژی در خدمت هدفهای سالم و انسانی ایفا می کنند. بقیه در صفحه ۲۵

سال ۱۹۸۵ به ابتکار سازمان ملل متحد "سال جهانی جوانان" نام گرفته است: چهار سال پیش، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پیشنهاد دبیر کل سازمان و نظر به اهمیت مسائل جوانان در دوران ما، بر آن شد تا سال ۱۹۸۵ را به عنوان "سال جهانی جوانان" برگزیند. در گزارش ارائه شده به نشست مجمع عمومی، پس از تحلیل مشکلات جوانان و ریشه های آن، بر این نکته تاکید میشود که صلح و منافع جوانان از یکدیگر جدایی ناپذیرند و نیازها، حقوق و منافع جوانان، تنها در شرایط صلح میتواند تحقق یابد. از اینرو مشارکت جوانان برای پیشرفت اجتماعی و صلح، به شعارهای اصلی "سال جهانی جوانان" بدل شده اند.

گروه سنی جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال که بالغ بر ۸۷۵ میلیون نفر میشود، هم اکنون بیش از یک پنجم جمعیت جهان را تشکیل می دهند. این نسبت در پنج قاره جهان تفاوت دارد و در برخی مناطق مانند آفریقا، تا سال ۲۰۰۰ تعداد جوانان به دو برابر میزان کنونی خواهد رسید.

رشد کمی شمار جوانان طی سالهای پس از دهه ۶۰ میلادی با افزایش چشمگیر میزان مشارکت آنها در زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه همراه بوده است. حرکتها و جنبشهای دانشجویی و جوانان در اواخر دهه ۶۰ میلادی در اروپا و نیز شرکت بیسابقه و توفند ای جوانان در مبارزه اجتماعی - سیاسی و رهایی بخش آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، از ویتنام تا نیکاراگوئه و از آفریقای

پیش بسوی دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان

مسکو ۱۹۸۵

سی و هشت سال پیش در نخستین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان که در پراگ تشکیل شد، هفده هزار جوان از ۷۱ کشور جهان شرکت کردند. در فستیوالهای بعدی که به ترتیب در بوداپست، برلین، بخارست، ورشو، مسکو، وین، هلند، صوفیه، برلین، و هاوانا برپا شد تعداد بیشتری از جوانان سراسر جهان شرکت داشتند. در فستیوال هاوانا (۱۹۷۸) نمایندگان جوانان ۱۴۵ کشور جهان گردهم آمدند.

امسال برای دومین بار، شهر مسکو - پایتخت سرزمین انقلاب کبیر اکتبر میزبان جوانان پرشوری خواهد بود که برای تبادل نظر و اتخاذ مواضع یگانه در دفاع از صلح جهانی و جلوگیری از خطر جنگ هسته‌ای و در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی گرد می‌آیند. "آرمان" خوانندگان خود را در جریان تفسیر آیدارک جوانان و دانشجویان سراسر جهان - از جمله ایران - برای شرکت در این فستیوال قرار خواهد داد.

پرتغال: رهبری جوانان کمونیست پرتغال طی فراخوانی، آغاز تدارک وسیع جهت شرکت در دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو را اعلام کرده است. در فراخوان خطاب به اعضای جوانان کمونیست و همه جوانان پرتغال، برپایی فستیوال در پایتخت اتحاد شوروی بعنوان مهمترین رویداد در "سال جهانی جوانان" ارزیابی شده است.

کنگو: دبیر کمیته مرکزی اتحادیه جوانان سوسیالیست کنگو، گابریل اوبسا - آپونو، در یک کنفرانس مطبوعاتی در برازاویل اعلام داشت که فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در سال ۱۹۸۵ در مسکو به یکی از مهمترین عرصه‌های نبرد جهت صلح، خلع سلاح و پیشرفت اجتماعی بدل خواهد شد. او بر اهمیت ملاقات جوانان سراسر جهان و هماهنگی آنان در مبارزه علیه استثمار، استعمار و آپارتاید تاکید کرد.

زنده باد همبستگی بین‌المللی
دانشجویان جهان

مروری بر ...

بنا بر تجربه تاریخی خود انقلاب ایران،
آنستکه هرگاه توده های زحمتکش - و در رأس
آنان طبقه کارگر - به مبارزه متحد و
ماهنگ برخیزند و هرگاه نیروهای اصیل
انقلابی در چارچوب یک جبهه واحد متشکل
گردند و برای رهایی از ستم ارتجاع و غارت
امپریالیستی مبارزه کنند، در درازمدت هیچ
نیروی قادر نیست مبارزه آنان را به شکست
بکشاند و از نیل به هدفهای عالی انقلابی شان
بازدارد. ارتجاع و امپریالیسم نیز درست
برای جلوگیری از ایجاد چنین جبهه متحدی
است که اختناق را تشدید می کند.

از صحنه سیاست ایران براندازد و با این عمل
عهدگنانه و خیانت آمیز، حاکمیت سلطه
گروانه خود را تحکیم کند. اما تجربه تاریخ
هفتاد و چند ساله کشورمان نشان می دهد که
در روی زمین نیرویی وجود ندارد که بتواند
کمونیست های ایرانی را از هدفهایشان که
همانا تحکیم استقلال ملی و ساختمان
سوسیالیسم، به خاطر آزادی و رفاه خلق
زحمتکش است باز دارد یا وفاداری آنان را
به آرمانهای انترناسیونالیسم پرولتری
مخدوش کند.

و اما آنچه بدورنمای مبارزات انقلابی توده
های میانی مردم ارتباط می یابد، بازم



آدرس پستی :

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic
Youth and Students of Iran
Price: 2,- DM or its equivalent in all other countries

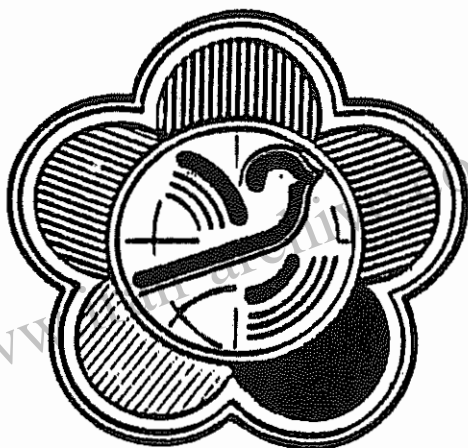
بها معادل ۲ مارک آلمان فدرال

روی جلد : تصویری از روزهای انقلاب بهمن ۵۷

پشت جلد : پوستر دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان - مسکو ۱۹۸۵

پیش بسوی
دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان

مسکو ۱۹۸۵



**Come along to the 12th World Festival
of Youth and Students
Moscow, 1985**

For anti-imperialist Solidarity, Peace and Friendship